

# حقیقت

شماره ۵۲ ۱۵ بهمن ۱۳۵۸

۲۴ صفحه

# بیاد ارانی



در صفحه ۵

# انتخابات ۵۴ برهمن و پیامدهای آن

انتخابات ریاست جمهوری در جمعه گذشته برگزار شد. بر مبنای نتایج بیست و هفت میلیون رأی در صندوق‌های رای و بیست و یک میلیون رأی در صندوق‌های رای در خارج از کشور، دکتر محمد مصدق با بیست و یک میلیون رأی در مجموع و هشتاد و یک میلیون رأی در مجموع در انتخابات ریاست جمهوری در ایران پیروز گردید. این انتخابات در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۸ برگزار شد. در این انتخابات، دکتر مصدق با بیست و یک میلیون رأی در مجموع و هشتاد و یک میلیون رأی در مجموع در انتخابات ریاست جمهوری در ایران پیروز گردید.

# یادداشت‌هایی درباره برخی مسائل روز

۱- اوضاع کنونی را چگونه تفسیر می‌کنیم و در کجا هستیم؟ این سؤال است که پاسخ بدان دارای اهمیت درجه اول است. عده‌ای می‌گویند انقلاب با روی کار آمدن قدرت جدید، که در واقع یک قدرت بورژوازی است، در هم شکست است. نمود نه‌ای از این عده‌ها "راه‌کار" است. در مقابل عده‌ای دیگر

منتقدان آن انقلاب دموکراتیک ایران با روی کار آمدن قدرت جدید در آن عده‌ها گزاره‌های انقلابی با و طایفه‌های سوسیالیستی (دموکراتیک) تفسیر کرده‌اند. اینها هم برخی از گروه‌های حزب هستند. بنده با این نظر هر دو اشتباه می‌دانم. انقلاب یکپارچه است و اشتباه آنست که ایران که

# آیت‌الله شریعتی‌مداری مشاور سیاسی شاه مخلوع؟! در صفحه ۱۰

در این شماره

|    |                                 |
|----|---------------------------------|
| ۶  | کنفرانس اسلام آباد              |
| ۱۲ | سیاه‌رنگاری را بشناسیم          |
| ۱۲ | مردم‌ستدج بی‌روزندند            |
| ۱۳ | گزارشات کارگری                  |
| ۱۹ | اطلاعیه کنفرانس وحدت            |
| ۲۲ | مسار زه طغیانی و رفقای فدائی    |
| ۲۲ | گزارشی از مبارزه مردم برای مسکن |
| ۲۴ | جراحت بوده تا راحت شده؟         |
| ۲۴ | هوجبگیری موقوف                  |

# مدنی رسوا شده آرام نمی‌گیرد!

درباره مدنی، این ژنرال سرسپرده امپریالیسم و جلاخلیق عرب در غوزستان در انتخابات ریاست جمهوری شکست خورده ولی از میدان بدررفت. خودایشان با کمال بر روی اعلام بقیه در صفحه ۴

با کمال رکداشن مسعود رجوی از انتخابات، سه‌کا بنده که نماینده جریان اجتماعی تهرمی است، محسنه اصلی این انتخابات را اشغال کرده مدنی بعنوان کاندید و نماینده طبقات مرجع سرمایه‌داران وابسته و مالکان بزرگ ارضی و سرسپردگان ارتشی و روس‌تکران و روحانیون وابسته‌های محافظ و همه‌آنجایی که در آرزوی بارگشت رژیم گذشته هستند، اریکسو، و حبیبی بعنوان کاندید و نماینده بورژوازی مسلط و لیبرال مشکل در "تصفیه آرای" و نیروهای مشکل در "حزب جمهوری اسلامی" و محافظ روحانی فتنی و انحصار طلب، از سوی دیگر، و بالاخره

# حقیقت

انتخابات ...

با برنامه های یکپارچه نگرش ملیت سیاسی و اقتصادی محافل پشتیبان آنها بود به معنای انتخاباتی یا گداختند، مدعی بعنوان کاندیدای "نظم و آرامش" بی صراحت خاصی تمامیات خود را بنمایش گذاشت و مدیریت ماساگری های نیروهای کمونیستی و بعد از آنها "دانشجویان مسلمان بیروخط امام" رای لایحه معینی از جا معده را بخود اختصاص داد. حبیبی، بعنوان کاندیدای "نهیست آزادی" و پس از آن، کاندیدای مشترک این جریان و "حزب جمهوری اسلامی" و محافل روحانی منتسب به این حزب چون "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" ادامه مع کثونی و حفظ جایگاه این نیروها در قدرت سیاسی را سوید میداد و با لایحه بینی صدریسا بر نامه ای جهت مخالفت با این درگاه اندید و ارائه راه حلی که قبول سببیرا واضح، نامین رضا استصا دی و آزادیهای سیاسی و سرهمردن موفیعت انحصار نظام مدهنی و لیبرال را در برداشت با بیدان گذاشت.

انتخابات ریاست جمهوری و آرائی که مردم در حمایت از کاندیداهای مختلف بصندوق ریختند، قیبل از هر جریسیا نگرش منتعجا به "حزب جمهوری اسلامی" و "نهیست آزادی" و بیگ کلام نیروهای مسلط بر "شورای انقلاب" بود. در آمار حبیبی بعنوان کاندیدای "نهیست آزادی" و بازرگان با بیدان گذاشت و بر اثر کرمس گنا سی چون صبا عیان و سحابی و دیگر سعای بندگان شناخته شده نهیست آزادی و دولت بازرگان در سنا دانعا با نسی وی، سمت گیری سیاسی وی را آشکار ساخت. "حزب جمهوری اسلامی" و دار و دسته پیشینی - رفسجایی، ارهمان آغاز با اختلاف و شکاف در میان خود - شان رو بر رو بودند و بدینی جهت به یک کاندیدا بلکه دو کاندیدا، تاریخی و آهت را معرض کردند، تاریخی کاندیدای رسمی حزب جمهوری اسلامی بود و آیت که در شورای مرکزی این حزب ما حب سفود و تمام است بعنوان کاندیدای "عبیر رسمی" این حزب کاندید شدند. "حزب جمهوری اسلامی" که از یکمور "شورای انقلاب" تسلط دارد و ارسوی دیکتورین میمی ار رو - حاسرون صاحب سفود را با خود دارد و

ارسوی سوم توانسته است یک تشکیلات عربی و طویل را در جا معده برپا کند و برای نمونه در جریان انتخابات "مجلس خبرگان" اکثریت کاندیدا های خود را و در این مجلس کرده دردمد آن بودند با قیبه کردن مفا مریا سبب جمهوری ملطه بلا منازع خود را بوقدرت سیاسی تا مین نماید. آنها صاحب می کرده اند که خواهد توانست حوس "مجلس خبرگان" اکثریت نماید کمان مجلس شورا را بخود اختصاص دهند و "شورای نگهبان" را نیز از امر خود نماند بر کنند و با لایحه با در دست داشتن مقام ریاست جمهوری همکاران های امام سی کشور را قیبه کنند. اما این برنامه در اولین قدم خود با شکست روبرو شد. جلال الدین فارسی با میلیون ها تومان پولی که خرج تبلیغاتش کرده بود، با روشن افغانی بودنسی و محالقت مریح خمینی کنا رفت و آیت نیز نمیتوانست موافقت اکثریت جناح های این حزب را بدست آورد. بدین ترتیب "حزب جمهوری اسلامی" چند روزی مانده به انتخابات تا کمان زیر پای خود را خالی یاست. بدنیال این واقع "حزب جمهوری اسلامی" بدرتیب و متحد گذشته و کثونی خوردن "نهیست آزادی" رو آورد، آنها شیکه در گذشته "دولت" و "شورای انقلاب" را میان خودشان تقسیم کرده بودند و علسر عسک و جدال های بین خودشان از یک سمت گیری واحد سیاسی بیروی میگردد، با دیگر همهمه رسیدند و سر کاندیدای واحدی اشکاف کردند.

گرچه "حزب جمهوری اسلامی" رسما از حبیبی بنسبانی نکرد، الا کثینی بنسبانی محافل منتسب به ایسی حزب از حبیبی، جای شک و سینه ای را در بوضع "حزب جمهوری اسلامی" تجسبا نمی گذارد.

"نهیست آزادی" که در آثار کار دولت بازرگان را منتسبانات و موقعیت ویژه ای برخوردار بود، بسیار ۹ ماهه خراگاری در امر انقلاب و مبارز و ممانات با ارجاع و امیرالیسم، زیر سنا رسوده مردم و همجین حسک و جدال های بی با رمیا و با لایحه بیسی از اشاکری های سیاسی "دانشجویان مسلمان بیروخط امام" که از ارسناط میان ایسی "نهیست" و امیرالیسم آمریکا پیده سردانست، از موقعیت سیاسی بسیار ضعیفی در میان رسوده برخوردار شده بودند و میدی شورای رسدن به مفا مرتیس جمهوری مداسه، مریه ای که "حزب جمهوری اسلامی" جورده بود، با دیگر کاندید و سرورانهم رساد. "حزب جمهوری اسلامی" از

کاندیدای "نهیست آزادی" بنسبانی کرد، با ایسی حساب که با روی کار آمدن حبیبی، آنها خواهد توانست حوس گذشته قدرت سیاسی را میان خود تقسیم نماید و پس از مدتی زیر پای حبیبی را نیز خالی نماید. بدین سبب اکثریت اعفاء "شورای انقلاب" و دو نیروی غالب بر ایسی شورا، "حزب جمهوری اسلامی" و "نهیست آزادی" پشت سر سنا پیدای چون حبیبی فرار گرفتند.

شکست معصحا نه حبیبی، شکست "نهیست آزادی" و "حزب جمهوری اسلامی"، شکست "شورای انقلاب" و شکست محافل مذهبی منتسب به ایشان جریان بود. این رای گیری نشان داد که این جریانات، از یک با یکگاه وسیع بوده ای برخوردار نبوده و همه "سفارشات" امام جمعه ها و مدرسین نیز نتوانسته است چنین پایگاهی را سه وجود آورد. این انتخابات نشان داد که مردم از این نیروها رو برتا فتداند و این بهترین نتیجه گیری از انتخابات با ریاست جمهوری بود.

شکست "حزب جمهوری اسلامی" و "نهیست آزادی" را با بیدر عسوا مل گردنا گونی جسج کرد. سلطه ای رسد و بیروبر "دولت" و "شورای انقلاب" دره با فذ گذشته به مردم ما سموه و جریسه اوزنمندی از آنها دست داده است. ارجناظ اقتضای، ایمان سه تنها ستوانستند کوچکترین مدعی در جهت سپودوم اسنا را قسما دی و رسدگی مردم بردارند، بلکه با سیاست های مفا مفلابینا ن بحران اصنادی کثونی را سنا بدین سر کردند و با لایحه بنسبانی قیمت ها و کمودار را قی عمومی ویسی کاری و ورشکستگی و داعای کنا وری زی، سموه هائی از علسر کرد آنان میماند. ارجناظ سیاسی ایسان همسدا و ردیجی دموکراتیک انقلاب را لگد مال کرده، با اعمال انحصار طلبی همه آزادی ها را برپا گذاشتند. مردم در "مجلس خبرگان" نحوه ای اطرر کنا را با سنا را دیدند و بیگ کلام تجریبه کردند. مبارزه صدا میرا لیسی جاری که بدنیال اشغال حاسوخا سه آمریکا اوج گرفت و محالقت مریح و آشکار و شدید "شورای انقلاب"، "حزب جمهوری اسلامی" و "نهیست آزادی" سنا ایسی مبارزه رو در روئی ایسان سنا "دانشجویان مسلمان بیروخط امام" سس میمی در سنفیص موقعیت آنها داسف و دار دوهما بطور که بیسی سبسی میند، ایسی مبارزه نا محال به سنفیص موقعیت نیروهای مسلط بر "شورای انقلاب" انجامیده است.

در شرایط انقلاب و با لا بودن سطح مبارزه، انتخابات مردم نیسر با لامت و با تیزیستی بیشتر برعنا - لیب هر کسی که بر سنا هدوت تکیه رده است بظارت میکند، اگر در شرایط عادی، چندین سال طول میکشد تا ورشکستگی یک جریان سیاسی عیان گردد، این مدت در شرایط انقلاب کماکان در سطوح و به صورت مختل - جریان دارد، بسیار کمتر برده و بیرو - های مختلف سیاسی بسرعت بیستوری از آرمایینی توده مردم بیرون میآیند، "شورای انقلاب" پس از ۱۰ ماه حبیبی نقطه ای رسیده است.

"حزب جمهوری اسلامی" و "نهیست آزادی" فعلا شکست سختی خورده اند، لکن به هیچ رو سنا پدکار آنها را با یان یافته تلقی کرد. انتخابات مجلس شورا و ترکیب "شورای نگهبان" درین است و کنا کث جهت قیبه کردن ایشان و ارگان کماکان موجود میماند و این نیروها و بیویزه "حزب جمهوری اسلامی" با جمع بندی از ایسی شکست، سمسول تجدید نوا و سنا زماندهی هسند سنا ای شکست را در انتخابات مجلس شورا جبران نمایند، لکن، نتیجه استخا - بیات مجلس شورا و ترکیب "شورای نگهبان" هر چه شود، با رسمینا سنا اوضاع را بر اوال سابق بر کردا سنا زیبا در صحنه سیاسی حاسمه، مهره هائی جا بجا شده و مهره های جدیدی سیریه صحنه آمده اند، که در محالقت مریحود را بر سنا مل و فایع و رو بیدادها و آرائینی طبقاتی هیسک حاکم سنا خواهد شد.

گذاشت و بجا نیر کنا شده اند.

مدعی سسوان سنا رسده مساسع سوما بیداران و مالکان بزرگ و را - بسگان رپیگ گذشته، علسر عسده سنا را سنی که بر علیه وی صورت گرفت با آوردن بین ار ۲ میلیون رای به خوباری خود سنا سنی سموه و آشکارا سنا خطری که ارجناظ او و نیرو هسنا ای بسبب سنا او انقلاب ما را سنا سنا سنا صحه گذشت، میران را سنی که سنا سنا آورد (مردم نا آگاهی که سنا سنا را خورده بودند که بیکدییم)، سنا سنا وجود با یکاه نوی بارماندگان رژیم گذشته و میرا لیسم بوده، سنا سنا اجتماعی یکا کثونی ای میرا لیسی را سنا میدهد و بر صورت در سنا سنا ایسی با یکا که در سنا خبر و ارجناظی - اقراید، (ما در سنا لندجا کنا سنا در همین شماره بیدای سنا لندجو در گرب ده ایپودر نتیجه در ایسنا ارسررسی فصل آن میکدرم -

بسی صدر، با سنا سنا سنا -

# حقیقت

استخابات ....  
 یا نگرما بلاب لایه پایشینی بوروزواری  
 ملی ولیبرال ایران و خرده بوروزوا -  
 ری مرفه بودیا میدان مبارزه  
 انتخابی گدانت. اودرایسسی  
 انتخابات به مردم تول "رفاهانجا -  
 دی"، "آزادی سیاسی"، "استقلال و  
 عدومایستگی" و "خدای ارا انحصار -  
 ظلمان" را داد. اما آنچه در عمل رای  
 اکثریت مردم را برای او آورد، هداین  
 قول و قرارها، (زیرا سا نرکان دیدهاها  
 سیرهمگی قول و قرارهای مشابهی  
 داده بودند)، بلکه عرضه شدن او به  
 عنوان کاندیداتی جدا از جریان است  
 "حزب جمهوری اسلامی" و "نهضت آرا -  
 دی" و آنچه بحال درجا حمله ما  
 گذشته است بود، مردم با و بعضوا ن  
 آلتشرنا نیوی در برابر نیروهای مسلط  
 بر "سواری انقلاب" و روئندی که تا به  
 حال درجا معما جریان داشته است  
 نگاه میگردند و برخلاف دو جریان بیاد  
 شده، او را تجربه نکرده بودند.  
 تا کتا رگدا شده ندن مسعود جوی  
 در لیست کاندیداها تا کت آل سربا تنز  
 انقلابی موجود نبود، هیچجا اینکه در  
 محله این انتخابات، در عمل سنسوال  
 معان انتخاب با رهپن سع جریان بود،  
 مدنی بعنوان نماینده ارتجاع و  
 امیربالیسم، حیثیتی بعنوان نماینده  
 "سواری انقلاب" (سیروشی مدا انقلابی)  
 و سنی صدر بعنوان کاندیداتی سواری  
 ایندو جریان، مدنی مهرورزم گذشته  
 را برچهره داشت و با کنتار درخوزمان  
 پروابط سردی با او آکی ها او میر -  
 بالیم، همینوا است مردمی را که  
 هنوز در سرت نهادستان هسه سموی  
 خود جلب کند، حیثیتی سیرمهر سواری  
 انقلاب و دولت نارگان و "حزب  
 جمهوری اسلامی" را برچهره داشت و با  
 تجربه ما هه گدسه ایی حواسات،  
 نمیتوانست از حمایت مردم سرچون دار  
 شده، آنچه که می ماند، بسنی صدر بود  
 که در برابر این جریان با پیا بمیدان  
 کداسه بود. مردم با رای خود بدینی -  
 صدرا را مایس حدسی را آغا رگ رده اند.  
 آنها در بسی مدرسروشی را حتمحو  
 نکندند که قول و قرارهای سالارا  
 اجرا کند و جدای پینی صدرا ز سیروهای  
 سلط بر "دولت" و "سواری انقلاب" در  
 میان لاندی رسیی از مردم اسر  
 ایدرا سوخوا رده است کتا و راهی

متفاوت با آنچه بحال طی شده است  
 را خوا هدیمود .  
 لکن آنچه حرکت یک حریان را  
 تعیین میکند، نه این قول و قرارها  
 (هر چند هم که ما دفن و آروزی است  
 خوب باشد)، بلکه منافع طبقاتی و  
 کماکن و موارده طبقاتی می باشد.  
 بسنی صدرا ز جایگاهی حث ترا سیرو -  
 های غالب بر "دولت" و "سواری  
 انقلاب" آغا رگ رده است، لکن حرکت و  
 راه خودوی، بلکه مجموعه سیرایشی  
 که درجا معما موجود است تعیین خواهد  
 نمود. مسائل اساسی انقلاب و چا معده  
 ایران را هیچ سیروشی مکرر سیروی  
 طقه کارگر نمیوا بدخل کند. بکنند  
 کردن این با رگان، سهیا در سوان  
 سانه های سرفدرت طبقاتی کارگر و  
 متحدین نزدیک وی، دهقانان، است و  
 سا سیروهای اجده ای، هر چند هم  
 که تا دیق باشد، بخوا هیدنوا نسبت ار  
 این آرایش موفق سیرو ن ساینند.  
 چا معما برای آنکه بیوا بدیرهمه  
 بدهای عقب ماندهگی و اسار سس  
 فاشی آید، محتاج آنست که دهقانان  
 به زمین دست یا بدو مساسات غالب  
 سیروستا ها تسبق دهقانان بی رمیی  
 و کم رمیی دگرگوی سودوا نکا ر معما -  
 شی مگرما در ده و سسبم را چی مالکان  
 سزرگا رچی بدست سواری انقلابی  
 دهقانان سدارد، چا معما سراسسه  
 آزادی های سیاسی و بیبایدی است،  
 چا معما زمین دستا دره و ملی کردن  
 کلک سرمایه ها و صنایع وابسته به  
 امیربالیسم است، چا معما سرامنده  
 طبع بدار کنتیبه سرامنداران وابسه  
 و ملاکان ارضی است، اینها و دهقان  
 رمیه اساسی دیگر، ارجله ما میسی  
 حقوق ملی خلقهای ایران، سرمد  
 ها شست که بدون یک دگرگونی سنا -  
 دی سخریخوا هندسه. هر سیروشی  
 اجده ای مدعی رهبری چا معما، با این  
 قبیل مسائل موا چا است. آیا دولت  
 سنی صدر میتواند این مسائل  
 برآید؟ مطمئنا حیر. آنچه کدهار او  
 عنوان در سنا سنا سنا رانست،  
 دست رفتن به برخی صرمها است. سرور -  
 های مختلف اجده ای، مسائل چا معده  
 و اردنکنا دودومی سسسه و در درجه  
 اول سنا ن مسائل سوحدار سدی کده  
 ساین منافع طبقاتستان در گرو حل  
 آنست. حرکت سنی صدرا ز سیروهای  
 پشیمان وی آرای تا عده کلی بیوا  
 برا سیرخوا هدکنده است .  
 با داده های شموسی و سسیرایشی  
 مشخص سیروی، آرا سچا که سنی صدر سسر  
 یا بدست امعه دم مردم ارسر سسای  
 مسلط بر "سواری انقلاب" و "دولت"

برای ست جمهوری دست یافته است و در  
 زمینه تبلیغاتی نیز سنا لیت دانسته  
 داری را در اعلام جداگی این آرایس  
 سروها سارمان داده بود و با سوجه  
 به سیروهای طبقاتی بستیمان وی،  
 سایداسنا را آنرا دانست که سوی در  
 سرتیبه دولت آینه اس سیاست ها -  
 شی که به پیش خوا هدکنده است، اینسن  
 جدای و سیروهای پشیمان خود را  
 در نظر گرفته، قدمها شی به پیش سسر  
 دار و در حالی که سسکل اشکالات  
 جدید هیح وجا در دستور کار و حرکت  
 وی خارج نیست، لکن ترکیب جدید  
 چا ر لحاظ سیاسی وجه طبقاتی، با  
 سرتیبه گذشته فرق خوا هده است و اس  
 فرق مطمئنا سا سیروهای را در آرایسن  
 وصف بندی طبقاتی چا معما و همچس  
 هسنت چا که معما سیرخوا هدا و در دا ز هم  
 اکنون به سارا رده است .  
 در انتخابات ریاست جمهوری ،  
 قدری بیش از ۱۲ میلیون نفر، (سیر  
 میان آمارهای دولتی) شرکت کرد  
 دند. اس رقم، بالغ بر ۲ میلیون  
 نفر کمتر از شرکت کنندگان در فرار -  
 دوم "فانوان اساسی" و بالغ بر  
 ۴ میلیون نفر کمتر از شرکت کنند  
 گان در فرار دوم "جمهوری اسلامی"  
 چی باشد. بدین ترتیب ما نا هده سگ  
 سیروشی در حرکت مردم در آیس  
 قبیل رخدها های اجده ای هستیم.  
 این سیروشی در درجه اول ناشی از  
 ردی ای امعه ای به هیئت چا که میدید  
 و بالانترستن آگاهی سیاسی مردم  
 است. بدینال مماعت از سرتیبه  
 مسعود جوی در این انتخابات ،  
 حسن های وسیعی از مردم سسر از سرتیبه  
 در این انتخابات اشباع گردند و  
 مناطقی چون کردستان که بر سسای  
 سرتیبه مسعود جوی بدین احتضا -  
 سات وارد شده بودند در رای گیری  
 سرتیبه سسید، مردمی که در آیس  
 انتخابات سرتیبه نگردند در آمیسوان  
 بدجواب طرفداران رژیم گذشته نهاد،  
 ربا این سیروهای، هسکی سرتیبه کرد -  
 دند و بدکا سیدای مورد علاقه سنا ،  
 حمضا رمدی، رای دادند. سکا هی سنی  
 مناطقی چون کردستان، آذربایجان،  
 شمال، این در سس سسر از سرتیبه  
 مناطقی بودند بحر قابل سوجهی از  
 جمعیت سیران سسر در این انتخابات  
 سرتیبه سنا سسند، در اسکیره آکا هانه  
 و انقلابی مردم کردستان در عدم سرتیبه  
 در این انتخابات سنی نیست، سسر  
 در آذربایجان، عدم سرتیبه سسای  
 وسیع بود، سنا سنی ارسر در حویا -

شانی چون "حزب جمهوری خلق مسلمان"  
 ویا "سرتیبه داری" است، زیرا اینان  
 رای خود را بدکا سیدای مورد علاقه -  
 خان سیمارمدنی، داده اند و چون هر  
 جریان حیاستکا ردیگری، در آیس  
 کاندیدا امال مرتجعانه سنا را  
 حتمو می نمودند، عدم سرتیبه سسای  
 وسیع مردم، از سوجه س غالب بر سرتیبه  
 که بگردیم، ناشی از رشد عدم علاقه و بی -  
 اعما دی به نظام سیاسی چا کم و بیانگر  
 یک حرکت متوقی است. در سسر ان و  
 سا سسراط نیز این عدم اشکال ناشی  
 ارسر آگاهی سیاسی و انقلابی مردم  
 بوده، به سنا لیت سارمان های انقلاب  
 بی مربوط است. آرای که بگردیم،  
 اگر در خواست آیت اله خمینی نمی بود  
 در سسای که در این انتخابات سسر -  
 کت نمی سسید، سسر ایت با لاترا این  
 می بود. در سسجه با سوجه سنا سس  
 سسوده میوان چنین سسجه گرفت که  
 حدافل بیش از ۲ میلیون نفر از مردم  
 مادر سسر سسر ان با عدم سرتیبه  
 آکا هانه سنا در این انتخابات، در  
 وانع رای خود را به سیروهای انقلابی  
 داده و سوجه یک خود را سسوان  
 پشیمانان این سیروهای سسخته کردند.  
 ارسوی دیکوما سنا هده ایم که سسر سنا  
 همین سغه، در جمعیت سسر ازکا سیدای  
 ارتجاع و امیربالیسم (مدنی) حمایت  
 کردند و باقی جمعیت (اکتوییت مردم)  
 به کاندیدای وسط آید و قطب، سسینی  
 بسنی صدرا ی دادند. زالبته سسک  
 نیست که سسین اعظم حمایت کنندگان  
 مدنی را سسوده آکا های تشکیل میدهند  
 که سسر وی را خود رده اند، لکن همس  
 سنا آکا هی رمیه ایست سسوی سسود و  
 سسر سسیری ارتجاع). این برآ مدھا ار  
 یکسو مومعیت و بقا سسیل سیروهای  
 انقلابی، موقعیت و سنا سسل سسر و  
 های ارتجاع و امیربالیسم و با لاسره  
 مومعیت و چا سکا هسنت میانه جمعیت را  
 سنا سسده و در سسرا سسوالابون  
 وظیفه سسر قطب این سسوی وسیع،  
 که در سسایت سسالا حیا را زکا سیدای  
 سسلیان (سسی صدر) سسخوا سسده و رده  
 در آر میدهند. ولی آیا سسین انقلابی سنا  
 و سسیره کمونیسٹ ها آما ده گی آسرا  
 دار سسکه، رسی این وظیفه سسر سسر  
 آید؟ وصیت کسوسی این سیروها،  
 سسرا کنده کی و سس موجود و غالب سسر  
 سسوت آنها، علیه عارمه "چا سسای  
 (که آنها را سسجه بی سسر سسار سسر)  
 سسر سسارده، با سس سسینی سساین  
 سسوال سسیده. اس سسین سس سسر سسر  
 سس سسیل سسیده ای کده سسر سسر  
 سساره زده و سسران سس رسی سساین  
 بسسده در سسجه

# حقیقت

انتخابات ...

بشخصی خوش را از وی اعلام کرده است، با وضعیت کنونی غالب بر آن قدری انجام رسانده تاریخش نیست. در تحلیل نهائی دوره پیشتر در برابر ما معروضی ما قرار نداد. توده مردم با توجه به نتایج نیروی های سوزواری ملی ولیمبرال و خرده بورژوازی در پاسخ گوئی به سیاه های اساسی جامعه ما، از اینها نیز سرخو اند خورده، یا جنبش انقلابی در آن جنبش کمونیستی ما خواهد توانست این نیرو را بسوی خود جلب کرده، انقلاب را به سرانجام رساند و بر ارتجاع و امپریالیسم تکیه بر بایکاها، اجتماعین و سوا استفاده از سرخوردگی توده مردم و ناکامی آنان یک رژیم سمعادی دیگر را برجا می دهد ما خاکم خواهد ساخت. نیروهای جنبش کمونیستی ما باید آگاه باشند که سطح هریک از این دوره ها آنها نیز مربوط است و آن نقشی تعیین کننده ای میتوانند در مسیر نگا ملی جامعه ایفا کنند. لکن شما را می بیند که بر آکنده و کسسه با بی مانند نخواهند ساخت و جنبش نقشی را ایفاء کند. حفظ بر آکنده کی کنونی و دامن ردن به عارضه غالب بر جنبش ما، به معنای استخار راه دوم است و تاریخ ایسرا به همه ما ثابت خواهد کرد.



سایح انتخابات ریاست جمهوری، علاوه بر آنچه تا بحال بر شمرده ایم در سبب های سیاسی و شعوریک خوبی نیز می آید. وقایع و رخداد ها و از این قبیل، خود بهترین نمونه های حرکت طبقات و مبارزات مختلف بوده، نمایشات سیاسی هریک را به بارزترین شکلی عیان میسازد و بر آریایی های سیاسی ما حکم می زند. در این قبیل رخدادها که میسوان فهمید از نیایی های ما از جامعه و آریایی طبقاتی و حرکت هر طبقه و فضا تا چه حد درست یا غلط بوده است. سایح این انتخابات، هر چه سخنی شتار پیدا رهای آندسته از رفقای کرد که روحه بیت ایران را یکپارچه بنیاد شده و تحت عنوان شعوری "گاسا" فرموله اش نموده است.

(نیروهای چون "راه کارگزو" و "حما") روحا نیت نیز در جریان این انتخابات، با توجه به هر چه دیدگری، تمایلات مختلف و متفا طبقا تی نهفته در خود را بروز داده، بخشی از روحا شیون بنیست سرمدنی صفت هستند، گروهی به جنبشی بنسبیا سی دادند و با لاف و به خشی نیز به حمایت از بی صدر برخاستند و پاره ی نیز از سایر کاندیدا هها بنسبیا تی کردند، رای زیاد مدنی در مناطقی چون سیستان و بلوچستان و کرمان، همراه بود با بنسبیا تی محافل روحانی این مناطق از وی، روحا نیت ایران در این انتخابات کاندیدای واحدی نداشت و گر چه ممکن است کما تی این امر را تی ار عدم حمایت علنی و رسمی جنبشی از بیکی از کاندیدا هها بدانند، لکن این ارز با بی جز سطحی گرائی مغرط و چشم بین بر واقعیات مبارزه طبقا تی نیست. روحا نیت ایران، کاندیدای واحدی نداشت، زیرا از لحاظ طبقا تی جمع واحدی را تشکیل نمیدهد و مجبور است در بر خورده مبارزات طبقا تی، تقسیم شود و تقسیم نیز شد.

این انتخابات همچنین نشان داد که از زنده روحا شیون در میان مردم بمقدار قابل ملاحظه ای کاسته شده و علاوه بر این توده رای دهنده، در انتخابات از میان روحا شیونی که هر یک به حمایت از کاندیدا تی برخاسته بودند، توجه خویش را به سه مقام و جایگا در حوا سی فوق (ما نندا، ما جمعه و غیره بودن)، بلکه به مومع سیاسی وی معطوف داشتند و مثلا برای نمونه در شهر یزد، علیه غم آنکه آیت الله صدوقی از متون ردی بر خوردار است و هم بسوان نما ننده ما موهما مقام جمعه و هم سما بنده مجلس خیرگان نجا لید میکنند، اکثریت قاطع رای دهنده گان حمایت خود را از کاندیدا تی اعلام کردند که مورد بنسبیا سی وی نبود زیرا او سه آریی صدر، بلکه از جنبشی بنسبیا تی علنی نموده بود.

سایح این انتخابات، هر چه سخنی بنا بر پندارهای آندسته از رفقای کرده هیئت حاکمه را یکدست بنیاد شده و در بر خورده آن حساب دسدها و تمایلات طبقا تی مختلف را ار یکدیگر جدا نمی نماید و سر تسلط بلامانع نیروهای مسلط بر "سورای انقلاب" بر آن و قدرت سیاسی باور دارند و با مبارزه در وی این هیئت حاکمه، که بنا نگر موارده میان کرا نیت طبقا سی محضی است را بر مسا نوطه هیئت حاکمه برای بنسب مور فعت خویش می بندارند. این استخا

بایات وصف بنده ای بحس ههای مختلف هیئت حاکمه در حمایت از کاندیدا های مختلف پیهوده گسی بنیاد رهای فوق را با ردیگر به نمایش گذا رد و آشکارا بر نقطه نظرات سازمان ما در بر خورده هیئت حاکمه وصف بنده ای در وی آن صحت گذارد. این انتخابات نشان داد که سمت گیری سازمان ما در قبال شدن نما یزمیان بخش های مختلف این هیئت حاکمه، تمرکز افنا گری و مبارزه علیه نیرو های مسلط بر "سورای انقلاب" و بر خورده و گانه به سایر نیروهای این هیئت حاکمه درست بوده و همچنین در آریایی از شرایط تعیین در ستوازن قواعد درون این هیئت حاکمه، به ضرر نیروهای مسلط بر "سورای انقلاب" به خطا نرفته بودیم.

زندگی بهترین معلم است و آن کس که از زندگی درس نگیرد، از هیچ کس درس نخواهد گرفت. با شکر که آن دستا ز نیروهای جنبش کمونیستی ما که اینک بر انحرافات خود پامتاری میکنند، بخود آمده، و واقعیات مبارزه طبقا تی جاری در جامعه و آریایی نیروهای طبقا سی و در بر نتوانینها وظایف جنبش انقلابی و کمونیستی را بهیچند و در اصلاح نظرات خود اقدام ورزند.

مدنی ...  
داشته اند "این بایان مبارزه سی نیست، بلکه آغاز است" (با مداد ۲، پنجم).  
در یاد آمدی که در سی عوام فریبی و دسیسه جینی را پیش آریان امیریا نیش و قاتل اعظمش رضا خان میر بسج فرا گرفته، قبل از انتخابات ریاست جمهوری با قیامه حق بجای تی اعلام کرده بود که اگر انتخاب نشود، به کرمان خواهد رفت و معلوم خواهد شد؟ همان زمان هم گفتیم که این مردک جا طلب و خطرناک دروغ می گوید، و هیچگاه نگور خود را کم نخواهد کرد و دست ار سر مردم بر نخواهد داشت و مصالحه مطنوعا تی این عنصر بنسب از مراسم انتخابات موید گفته ما است.

ما در مقاله "اهداف واقعی کاندیدا های ریاست جمهوری" (جفت ۵۵) گفتیم که اکثر این کاندیدا هها برای بروزی وارد میدان بنده اند، بلکه برای آریایی از نیروی خود، جمع آوری هواداران و نیروهای خود، و نندارک دسیه هها و نوطه های بعدی وارد مبارزه استخا بیایی گردیده است. ما در آن مقاله به صراحت گفتیم که همین فردای استخا

با است که مدنی جلاد، ستاده های انتخاباتی خود را تبدیل به حزب می میکند و با تکیه به چند میلیون رای به دست آورده، ادعا های ریادی را خواهد داشت. و شما ماین گفته های ما به حقیقت پیوست!

مدنی که دیگر معلمی یا دانش رسته است می گوید "... از هم اکنون تدارک جزئی که هم در مسیر خدمت به ملت ایران و هم بر مبنای هدف های جمهوری اسلامی است با کمک دوسان و همفکران می بینیم" و با تفرعن خاص رضا خانی خود قبول هر گونه بنیست را رد می کند (و کسی هم به او شعلی بنسبیا دنکرده؟) می گوید "بهیچ وجه قبول نخواهم کرد، زیرا تصمیم گرفته ام در لاسوای جمهوری اسلامی و هم چنین تعداد آرا تی که مردم به من داده است، به مجلس ایران خدمت کنم" (با مداد ۷، بیهم)

مدنی جلاد که از جا زه و رو در انتخابات ریاست جمهوری را ارتجا سوخته است آمریکا گرفت، امروز با تکیه بر دو میلیون و خرده ای رای که بدست آورده است، برای خود و حزب گذا تی در شرف بولدنی سرو عیت کسب میکند. او با تکیه بر همین ۲ میلیون و خرده ای رای در بی اشعابات مجلس شوراسالی و ایچا دیک فرا کسیون ارتجا تی تحت رهبری خود است. اشعابات ریاست جمهوری و آریان

۲ میلیون و اندی رای، به مدنی و حزب ارتجا تی در شرف تولد است اعتبار نموده ای، اگر چه کاذب، می نماند. همین فردا ست که همه نیروهای ارتجاع و امیریا نیش در زیر پرچم حزب مدنی سینه خوا شدرد، حرب مدنی میا دگا و نطنه اتصال همه نیروها و بقایای ارتجاع و امیریا نیش خواهد شد. هما گونه که بنسبیا تی و رایها تی که او بدست آورده، به ضرب بنسبیا سی خانها و متحدانهای بلوچستان و سیستان و کرمان، و از نطق با سوان "دانشکته" بالای شهر شین تهران، هواداران و عاتقان سیه چاک بنسبیا خان و بیگ کلام همه نیروهای ارتجا تی و وابسته به امیریا نیش بود، از این پس سیز آنان برای مدنی سینه خوا هند زد. و این اشعابات، این نکره اهم سنان داد که این نیروها هنوز در تند ۲ میلیون خرده ای از مردم را به دنبال خود می کشند. و این برای نیروهای انقلابی باید هندا ری باشد! و آیا سنگ آوریست که مسئولین و مجربان انتخابات، که آسفندرتلانی کردند ما کاندیدا ی انقلابی چون مسعود رجوی را که آریایی خود را در بنسبیه در صفحه

بیاد ارانی ...

۱۲ بهمن ۱۳۵۸، محادثاتی با جنابین سالگرد شهادت دکتر سید اراسی، رفیق شفیق ارانی در ۱۲ بهمن ۱۳۱۸ پس از چند ماه محصل تکلیفهای طاعت در سایه دژ خمان رضا خانی در سلول سماک و با ریگ زندان بهمه مدت رسید. اراسی یکی از برجسته ترین مهاجرو رهبران جنبش کمونیستی و انقلابی ایران بود و آثار او و تکلیفها گوناگونی از فلسفه و طبیعات ما رکتیسم، لیبرالیسم، پانامیسم، اراسی در شرایط ارهم با شدیدی شکلت حرب کمونیست ایران و در او چ دنکتا سوری سگاه رضا خانی، به بار ساری تکسوری و سکولاسی آن همت کما ر دو بر جرم ایمن حسن ربا ساری کرده، بدان عتاب و جلای حدیدی بحسید، او دادا ده هنده سب بر اصحا رنننن حیدر عموا و غلی و وحدان سیدار طبعه کار کراسران بود، او و سکف: "ا مرو ریک لکه سبک و ساهن بر جهره ما ایراسان گداشته سده گها بدیهر مسمی گه سده اسست آراسی اریاسی و مورب خود و ملک ایران با ککتیسم، این لکه سبک و سب، جرما خون، با خون جنس و شورش آزادیخواه سوده اسیر، با جیز دیسکر سده مسود و ما با بدآن لکه را بعیم خون رجان خود اریاسی ها بسبان سرداشتم... حرب ما که بیسنا هسبک آزادی و جنس سوده ایران است و بسا کوسر سسکتی ما بدیهر ما ایخا سده باید در را به سیرتت مرا خود و ساری بدت آوردن آزادی ملت ما ایران ساره و سدا کاری کند. ما با بد هسکی برای بدست آوردن حق خود و سارا سدا خس این رژیم دیکتا نوری و اسیدا سیا جانباری کتیم، و در جان باری و سدا کاری سرت سنی دیگر روستفکران و سوده سمرم بسویم، اگر خون ما ر سخته سود، بیسوده بهیترخوا هدرتت، در عوض حویسای نا چیز ما زنجیرهای محکم قلندری و اسیدا را هم خوا هسکت سخت و خنت های کاخ آزادی زوی کشته های ما سسا خوا هسدت، این بزرگترین انتحسار ما ست که در راه آزادی مردم و ساری عدالت و دموکراسی سهد سویم"

اراسی کا مبه گام خست های کاخ آزادی را با کوشش سسکی نا بدی

تشارک می دید. او رسالت سرتیبت یک سسل حدیدا سغلابی، سسلی کعبه سسلاح ما رکتیسم - لیبرالیسم سسلاح نا سشد و بر جرم سارا سفا رطبعه کار رکترا سولوحه خود سارا ده بدیهر سنده دانت، او بیک سبه می نایست جلایای را که سمدان حرب کمونیست و ارهم با سیدگی اسن حرب بسا رآورده بود سیر کتت، ما ر بچ بر سعهه او رسالتی را کدا سته سوده که ارکتسیر کسی بر ساست، لاکن اراسی ار جسطه کما می بود که سوا سانی انجام سسلی کاری را داشت، او در دا سسیر ما رکتیسم - لیبرالیسم، ار جسطه سفا حر کم سطر جیس کمونیسمی ما بود، سسحر او در اسن عمل ار جسطه در آراسر سسده فلسفی و علمی او چون، "ما سراسلیم دیالکتسکی"، "سرا ر نظر سفا دی"، "عرفان و اصول مادی"، "جبر و ا سچار" "معرف و اصول مادی" و جرا بسن سفا سسکتی سسفا سده، او سیکت "ما میدانیم بر خلات حرب سنا سنا میکیم، ولی آن سدر سنا خوا هم کرد ما با باروان سوانای خود حرب سنا سنا سیر سده هم"، اراسی سسیر ما سیر با رباروان هسکوش سسده سا زمان سدهی و آ مورس روست سکران و کارگران پر داف، هسبه های مختلف مطالعه و سفا رده بسو خود آورد و علاوه بر اس با سیر سسجات فلسفی و علمی بددا سس و سرت سفا لیس سس و سس سسلی بحسید، او به سسکان می آمو سب کتت: "این رسدگی سسب کت ما دا ریم، رسدگی کس فردا ست، رسدگی فردا ست کت ما بسوا سیم ملت ایران و سوده خواب - آلوده سیر را بسیدا و آکا هکتیم، طبعه روستفکر و آزادیخواهان کسور را دور هم کرد کتیم و همه ما هم برای سسرام و آراسان سسرکی سسکتیم، و سنی اسست که سوده ر سسور و ر سسکتی ما فرا کرد هم سنی آسند و در بر بر جسطه سکی و سارمان بررگ و هم سسکتی سرت سسکان و عارت - کران، سسبان سسبان، بر سیر سس ما بسوا سیم ارسو سنا سوده ما رمان سوسینی که در آن کاروان و آزادی برای همه بحویس و اطمینان تا مین سده با سس بر سیریم... سسین سدا سنی بسرودی خوا هدر سید و آن سدا ست که سارا از جنگ اس فلدران و جتا سسکاران رها سنی خوا هسکشید..."

رریم رضا خانی بسن از مدنی سبه وجود سسین کوه رگرا سمدری بس سسر و در وجود و خطری رای فب که هسسه رژیم های مرتجع در سیروی انقلاب می سسسد، سب ۱۷ اردیبه سسب ۱۳۱۶، اراسی از طرف ادار سسالی سسکتی و سسبند کتیده سده، رژیم رضا خانی مصمم بسودتا او را با بسود کتت، سسکتی سده و آراسر آعارت و بسا زحوشی سسب با زحوشی، اراسی در سسبه اس با زحوشی ها سبه

با راسنی می آمو سب کتت: "ترس کتید سرتما در حال عادی سسرا ردارد و سسیر سده ای ریر کتوی سس سسگاه دان سنا سده، بسطور سسگا کراسر سسبان را سسکان بدهند سیری سسیر سده سکلوی سسما فرو سیرود، در این سسورب با سسده هم سس سسرا با لکنا سده ا رید و هسچو سسب فرود سسبا ورید، هسرت سوا سنی را کتت در ادار سسالی ار رسد اسان سسالی سسنود، ما سسده اسن سسیر سده اسب که ریر کتوی سسما سکا هدا سسنا سده، اگر سسکتی سده "گتوی خود را اری سیری سسیر سده دور کرده با سده اگر "آره" سسکتی سسید و سسیدین کتید، سسده خود سنا خود را سسکتی سده اید، جواب هسرت سوال ادار سسالی سس "س است". اراسی را در آن سنا ۱۳۱۷ سبه "محا کتت" کتیدت، انا "محا کتت" ار، محسا کتت رژیم خود کتت ما رضا خانی بود، سده عبیه اراسی سسده محکومیت رژیم رضا خانی، سسده محکومیت ظلم و سسوم و سسکتی سسوری و اسسنتما روا ر سنا ع، و سسده سسرا سسب و سسیروی آرمان رحمتکسان و اسقلاب بود، او سسوا سسین سسفا رضا خانی وسبه ویزه ما سسین سسفا ۱۳۱۵، که ر سسب سنا سس آن سسالی سس کمونیستی جرو سسالی سس محسوب می سسده، سسنا سسده کتت و کتت "فعلت آن ما سسوری مقدس اسست، که حافظ سسنا ع سسده با سسده"، او در سفا - عبیه خود سسالی رژیم رضا خانی را اسسنا و محکوم بسود، بسن از "محا کتت" با زرنده اسن بسود سسکتی و آراسر، اراسی را خون کتیده در سسکتی سساریک و سسماک، بسدون سسالی و هسچو کتت سسده وسسله ای سسین کتید و سفا مده سسوی مرگ سسوش دا سسده، اراسی سسین ار مدنی بدیهر سسین سسلا سسوی رایبه هسین خالت سسبی هسچ در سسکان و دوا سنی رها کرده سسوم سس سسیر سا حسید، اراسی کتیدر جسطی سسالی سسنا هت رسید.

رور ۱۲ بهمن ۱۳۱۸، سسرای طبعه سارا رگرا سیران، رور سسالی اسست، ریرا در اسن رور، رفیق سسلی اراسی سسرت شهادت بسوشید.

ا سروز، ما کتتت ۴۰ سال از سنا کتید سارا سسالی، ما بسا دا ورا کراسی می میدا ریم و سسکتی سسفا دیکتیسم که سارا هسرا سسنا را و سفا دا ریا سسیم.

مدنی... سسکتی سسگا هسرا و در سسرت سسگا هسرا دا سسده بسود، از دور اسسنا با سسده کتتتت، حتی بسن از اسنای روا سب اسن مر دکت پلیس و خطرات ک با جا سس سنا س آمریکا، از سسده تا موی ار لیس سسنا کتید سفا هسگا کتتت؟ آیا سسکتی آ ورن سسبست که دا سسجوبان بسیر و خط امام از سمرم

استمداد کتتتت که به سسستیاسی از آن سنا سسنا هسرای راه بسیدا سسده، سنا را دیو و بسویرون را محبور کتیدتت سسده های افشا گران سسده سسلی از اسن سسنا - های عمومی بسن کتیدت؟

سده ست های پلیس دی درکا راست که ارفاسی مدنی جلوسگیری میکتتد؟

کدام سسیر وها هسنتت که ۲ ساعه سسما م سسیرون را دیو سسولوسویون را در سسب مر دکت هسچو گیری خون هادی سغاری می - کذا رسدنا وی بر سسب سسیر وهای اسقلاب سس سنا زمان سساهدین سسلی و سسسود رجوی، هسره در اسنی کتتت، سسلی اجاره سسلی هسنتت که ۲ ساعه سسده سسلی از را دیو و سسولوسویون بسن کتیدت؟ آیا سسنا سسده نتسجه کتتت که مدنی و حرب در سسرت سسولش از سسستیاسی بسن هاسکی از سسوی اسقلاب ره سسنا سساکت سسیر بر - خوردا رسد، و روا سب بسید و سنا با کتت بسین آن سنا موجود اسست؟

\*\*\*

مدنی جلاد در اسسنا با سسکتت خورد، ولی ۲ میلیون زانندی رای سسده سسنا آورد، و اسن برای مدنی سسکت بسیروی سسلی اسست.

سدا دا آراسی که مدنی سسده ست آورد (سز دیک سبه ۱۶ آراسر) و حرب کتت سسوطه آمیرو سس برای ایجا دیک حزب، در خود سسنا سسده هسرت کراسر سسنا ع و امیر سسالی سسیر برای سسکت کتتت و سسکل کتید اسسین سسوف خود، در وزیر سسرام در سفا دار مدنی اسست، و سسنا سسنا سس این حرب کتتت سسلا ار سسنا سسده های سسیر و حرب دار اسست، اسن با سسده ساری سسلی برای همه سسیر وهای اسغلابی با سسده، کا سسیر وهای اسغلابی با مدنی با بیان سسرت سسنا سست، چون کار مدنی سسیر با بیان سسنا سسده، سسقول در سسنا دار مدنی "اسن با بیان سسنا سسده سسبست بلکه آغاز اسست"، اسنای بسی اسان اسن سسیر بسید و سسب و اسسنا سسده اف و اسنی اسن، و بسلا تر از آن نجات سسوا - ده های نا آگاهی که بسده وی اسرا ر سسنا - سسب کتیده اسست، از وظا سسب سسیر وهای اسغلابی اسست.

و بسلا تر از آن، در مقابله سسکل و سسنا سسده سسیر وهای ارتجاع در سسلی آن هسنتت، سسیر وهای اسغلابی بساید سسیرا سسده سسب که ا ر سسوت سسنا سسده خود را سسشکت سسما سسده، و کتتتت در آسینده ای سسچ سسنا سسده در دور، سسوف سسرا کتتت سسیر و هسسالی اسغلابی خود را در مقابله سس سسکتت و سسکا رجه اسسنا ع خوا هسده یاقت! با بسیدا زه سسما سسور سسب سسکا ر سسسد!

\*\*\*



# کنفرانس اسلام آباد جاده صاف کن آمریکا

هفته گذشته کنفرانسی با شرکت نمایندگان و وزرای امور خارجه ۳۶ کشور "اسلامی" در اسلام آباد برگزار شد که ظاهراً هدف آن تدوین یک قطعنامه مشترک برای محکوم کردن تجاوز ارتجاعی شوروی به افغانستان اعلام شده بود. این کنفرانس که بنا به دعای برگزارکنندگان، به خاطر حساسیت بودن اوضاع منطقه بیرونی و شوروی به افغانستان، از سوی بنگلادش پیسینیا شده بود، چند ماه زودتر از موعد عادی خود برگزار گشت. نماینده ایران نیز علیرغم تمامی مخالفت های مختلف از سوی برخی نیروهای سیاسی درون ایران، در این کنفرانس شرکت جست. شورای انقلاب نیز در توجیه این اقدام خود اعلام کرد که هدف از شرکت نماینده ایران در عین حال محکوم کردن محارفات صدامی و نظامی ایران از سوی آمریکا است و... کنفرانس نیز با صدور قطعنامه ای در چندین ماده که در عین حال برخی از مواضع حاکی از بیگانه سازی رقیب به امپریالیسم آمریکا بود، کار خود را در پیمن به پایان رسانید. ظاهراً هر دو ابر قدرت شوروی و آمریکا و نوشته ها و تحریکات و تجمعات زنان محکوم شده بود و معین قرنی نیز اعلام کرد که: "با این کنفرانس و آورده کشورهای اسلامی در این جهت صاف و مستقیم خطر محارفات اقتصادی آمریکا را بکلی خنثی (!!) کنیم، بنا بر این قطعنامه ها، نظر ما بر آنست که: " (با ماده ۱۰، پیمن ۵۸) آقای طلب زاده نیز اظهار نمودند که "قطعنامه کنفرانس اسلام آباد درست در همان هفتی بود که ما از اینجا هدایت کردیم موفق شدیم کنفرانس را از یک جهتیتی و در خارج کنیم و بسوی درجهت بودن وقت دهیم." (همانجا)

کنفرانسی که در اسلام آباد برگزار گردید توسط آقایان قطب زاده، جاز تهرانی "هدایت" شود، معلوم است. شوق کنفرانسی است. واقعیت نیست که کنفرانس سهیوجه "دوچهرتی" بوده و در ماده ای که بنا به اصرار نماینده ایران در قطعنامه گنجانیده است، به هیچ وجه مورد نظر مردم

ایران که خواهان مبارزه صدامی است نیستند، نیست. بلکه از یکسری عام کوئی های دیپلماتیک که در هر کنفرانسی با خنده و پرده خنده مبریسان نیستی میتوان یافت، با اصرار تر نگذاشته است. برای نمونه قطعنامه کنفرانس "صفا" از سوی سیکس که جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا ساله ما بین را آسا ارا... های ساله آ میز جل کند". این هم آب باکی روی تمامی تبلیغات شوروی انقلاب چنان می ریزد که گویا این کنفرانس "دوچهرتی" بوده است. اینکه کنفرانس "صفا" نه "چنین آرزوئی" را می کند، خوب، امپریالیسم آمریکا نیز چنین آرزوئی میکند و هر مرتجع دیگری هم حاضر است تا با این نوع قطعنامه های بی محتوی و آیکی صدها بار تکرار شود.

حتی بنده دیگر این قطعنامه که کذا می رسد، از آن نوع است که کنفرانس مخالف هر نوع تهدید و اعمال زور... مجازات های اقتصادی و واگیر است. بدون اینکه روشن شود که تهدید کننده و زورگویی باشد. خلاصه این نوع قطعنامه های کذا می آزان نوع اند که حتی محمد رضا شاه هم در ده های آنرا امضاء کرده است و تنها کسانی مدافع سر سخت این نوع قطعنامه ها هستند که ریگی در کفش داشته و بخوانند مردم را خواب ننگه دارند و این نقش را شورای انقلاب کنونی ایفا میکند.

واقعیت چیست؟  
واقعیت اینست که در حوزه خلیج فارس در عرض یکسال اخیر تحولات عمیقی روی داده که صف بندی نیرو های مسلط بر این خطه را تحت تاثیر شدید خود قرار داده است. تا زمانی که رژیم شاه خائن سرکار بود، و به عنوان زاندارم درجه ۱ آمریکا در منطقه عمل میکرد، خیال آمریکا از بهایب اوضاع سیاسی خلیج تا حدود زیادی تخت بود و تا عمال تسلط سیاسی، اقتصاد دی و نظامی آمریکا در منطقه به مسرار می رفت، هر گونه تغییر و تحولی نیز از سوی رژیم شاه به نیابت از سوی ارباب رفق و رفیق میگردید، ولیکن با سقوط

رژیم شاه و اینکه عملاً امپریالیسم آمریکا از مهمترین سکوی نجس وری خود محروم شد، و بیما امپریالیستی شد و عملاً سنجل شد، وضعیت منطقه نیز تغییر اساسی پیدا نمود. ابر قدرت شوروی که سالهاست در پی توسعه حیطه نفوذ خود در منطقه می باشد، با بهره گیری از حدت یابی گوناگونی میان ایران و آمریکا، و با توجه به اینکه رژیم دست نشانده اش در کابل در حال سقوط بود، دست به تجمعات گستاخانه به افغانستان زده و با یک کودتا رژیم کابل را بر سر کار می آورد. حمله شوروی به افغانستان و زمینه سازی برای توسعه طلبی شان آتی خود، باعث گردید که آمریکا ضربه خورده در منطقه نیز بفرگه جاره افتاد و تا آنجا ننگه مقدورش می باشد. در این توسعه طلبی بیخ حیطه و گسترش حیطه نفوذ خود بهره گیری از ماشین های تبلیغاتی با سکی ها به کار افتاده، به یکباره مدافع استقلال خلقهای افغان شدند!! دم و دستگاری های نظامی آمریکا که در جهت محاربه ایران بکار افتاده بودند، امروز بعد جدیدی نیز با استفاده دیگر خود را متوجه شوروی نمودند. نماینده گان سیاسی و نظامی آمریکا و انگلیس از این فرودگاه به آن فرودگان در خاور میانه در رست و برگشت هستند و زمینه چینی برای تهاجم نظامی خود میکنند. با گستان نیز فوراً در بالای لیست کشورهای دریا فت کننده کمک های نظامی و اقتصادی آمریکا قرار گرفت و قرار است در این هفته دو نفر از سردمداران امپریالیسم آمریکا راهی اسلام آباد گردند و با ضیاء الحسین ملاقات و نقشه های نوم خود را بیساده نماید.

در چنین جو سیاسی است که به یکباره کنفرانسی که قرار بود چند ماه بعد تشکیل گردد، یکباره از سوی بنگلادش پیشینا میگردید که در اوایل پیمن ماه برگزار شود و آنهم در اسلام

گستان. در چنین شرایطی است که امپریالیسم آمریکا در مدتها بیجا دیک اتحادیه ارتجاعی - مانندستو - می باشد با عنوان برای حفظ منافع خود در منطقه در مقابل شوروی و توسعه طلبی آن فرا گیرد. از این روست که به یکباره کشورهای مرتجع اسلام - پناه نمایندگان خود را بسوی اسلام - آبا د کسبیل صادرند تا زمینه های اولیه چنین جبهه ارتجاعی را فراهم نماید. دولت آمریکا نیز خواهان است که ایران را بسوی چین ارتجاعی دبه ای بکشد و با سازش کسانیدن انقلاب ما، آسرا خاموش گردانیده، به عنوان سدی بر علیه توسعه طلبی شوروی اسفند نماید.

این درست است که ایران در عین پیشبرد مبارزه صدامی امپریالیسم آمریکا تا یکسری از شوروی است. لیست را محکوم میاید و به خلق مبارزان افغان نیز کمک رساندن در مبارزه با شوروی بیروز کردند، ولیکن از این مقدمه درست نمی توان و بسا بدیدار در مجمع باخته و پرده خنده امپریالیستی گذارد و وارد دسته بندی های ارتجاعی شود ولی این دقیقاً همان کاریست که شورای انقلاب می نماید.

این استدلال که نماینده ایران در کنفرانس توانست بر علیه آمریکا نیز سخنرانی نماید و آن خسر هم قطعنامه گنگی ما در نماید. به هیچ وجه قابل قبول نیست. امپریالیسم آمریکا می خواهد انقلاب ایران را در یکسری مسیری قرار دهد که انتهایش ناگفته است. آیا دیک که محمدرضا شاه از درون آن سردر می آورند. و اینکه چند سخنرانی خدای آمریکا هم در این کنفرانس صورت گرفته، غیر قابل تحمل برای آمریکا نیست. این راهی که شورای انقلاب برگزیده در جاده ای که توسط آمریکا صاف شده با می گذارد، انتهایش در بنگلادش آمریکا افتادن است و بس!

مردم سنج...  
با ساداران را تیروهای متشکل خلق تا سرگردستان بکار گرفته شود.  
بگیرند، دستاوردهای گرانبهره ای در دلبسته مردم قهرمان سنج

# حقیقت

با ددا شهنائی ...

دارائی خطبتهی بورژوا - دموکراتیک است نه در هم شکسته و نه آنکه به بیان رسیده است. دهم زن از شکست انقلاب بهمان درجه ن دست است که گفتگو از بیان یا فتن آن! انقلاب ایران با پیروزی بزرگ خود بر رژیم سلطنتی وارد یک دوره جدید شده است؛ لیکن مضمون و خلعت عمومی وظایف انقلاب تغییر یافته است. بعبارت دیگر ما همچنان با وظایف یک انقلاب دموی-کراسیک و ملی روبرو هستیم.

رفیق ما نوشته دهن گفت: "انقلاب دموکراتیک در زیر شعار جمهوری دموکراتیک از مراحلی متعدد خواهد گذشت. گذار از تسلط بورژوازی به تسلط پرولتاریا یک مراحلی است. مابقی مباحث سرگردگی که موقوفیت در آن بدویش حزب کمونیست در مابقی مباحث سطح آگاهی سیاسی و درجه شکل پرولتاریا، دهقانان و خرده بورژوازی شهری بستگی خواهد داشت." انقلاب دموکراتیک ما نیز قطعاً و بناچار است - مراحلی چند را طی کند، و پیش از آنکه منتهی به گذار به انقلاب سوسیالیستی فراهم شود، سرگردگی پرولتاریا و حزب آن برای انقلاب و آزادی کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهری برای این گذار تا مین گردد. بسه گفته ما شو: "انقلاب دموکراتیک رابطه و قاطع رهبری کردن شرط پیروزی سوسیالیسم است." (منتخب آثار - جلد ۱)

طبقه کارگر برای گذار به سوسیالیسم از این دوره انتقالی با پیگیری برای نیل به یک رژیم دموکراتیک و متکی به اتحاد کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهری، برای پیروزی دهقانان و بیملکسان و زمینداران بزرگ، برای برانداز ختن سرما به داران وابسته و بورژوازی کرات با زمانه از رژیم سابق و تا مین استقلال کامل اقتصادی و سیاسی کشور، مبارزه کنند و رهبری این مبارزه را بدست آورد. نوع حکومتی که پرولتاریا در این مرحله برای آن مبارزه میکند هنوز یک حکومت کراسیک نیست، لیکن یک حکومت است انحصاری بورژوازی هم نمیباشد.

بعلاوه پرولتاریا برای توفیق در این امور قبل از هر چیز نیازمند تشکیلات سیاسی خود، یعنی حزب بیشتر اول خود، میباشد. نیازهای که پیش از اجابت آن، هرگونه شعارها در این راجع به رهبری پرولتاریا و یا گذار به انقلاب دیگر حرف مفت و توخالی است. اکنون انقلاب ما در این دوره بیکی از دو سو توار شدرفت: یا بیرو-لتاریا یا متحد کردن خود رهبری توده های رنجبر، دهقانان و خرده بورژوازی شهری، بورژوازی را سر راه خود و از مقام قدرت پس زده به تشکیل یک حکومت اتحاد دموکراتیک و ملی توفیق خواهد یافت، یا آنکه برعکس ارتجاع ملاکی - دلالی وابسته به امپریالیسم هادایت آریا مان بین المللی اش در ساد دویا اتکا به هر اس و سازشکاری بورژوازی نیرو گرفته، از هر راهی که شده از جمله کودتا به قدرت خود را باز یافته به تشکیل یک حکومت ضد دموکراتیک و دست نشاندگان امپریالیسم فرانسوی راهوار خواهد کرد. یا به پیش، یا به پس! راه سومی وجود ندارد و جداگانه کثرت موقت و محکوم بزوال است.

برای همین ما در جمع بندی خود پس از قیام، که در "حقیقت" شماره ۲۷ (اردیبهشت ۵۸) به چاپ رسید، درباره حکومت جدید نوشتیم که این حکومت نظریه تکمه عملاً یک حکومت انحصاری بورژوازی هر چند با حمایت خرده بورژوازی است. دارای کفایت لازم برای به انجام رسانیدن وظایف انقلاب ما نمیباشد و بحران اقتصادی - سیاسی جامعه و همراه با آن بحران انقلابی جامعه ادامه خواهد یافت. زیرا "بورژوازی خودی ایران که امروز در تشکیلات حکومت خود میکند بسبب ضعف تاریخی خود حتی با فضا خرده بورژوازی قادر به از جا کندن قطعی ریشه های اقتصادی - اجتماعی مسائل و موانع رشد آزاد جامعه، که با انقلاب مشروطه آما زویا انقلاب فعلی ادامه یافته است، نمیشد. این بورژوازی به علت بندهای خود به مالکیت بزرگ و متوسط ارضی و بورژوازی وابسته از یکسو، نیاز خود به نوسازی بیوسد داشتن به با زار جهانی سرما - به داری از سوی دیگر و ترس از نتایج و با بدیده خودش موازین درگیری سیاسی کامل توده ها در یک نظام دموکراتیک و رشد حساس کارگری در اوضاع تاریخی - جهانی حاضر از سوی سوسالاس نظام موجود سازی نشان داده و از برخورد ریشه ای بسه

مسائل مقابل انقلاب طفره میبرد. از این رو انقلاب ایران همچنان در سی حل مسائل مقابل خود ادامه میدهد و نتواند برپا شدن ارگانهای قدرت سیاسی قادر به انجام یک دگرگونی انقلابی بنیادین و پایدار که متنا - س با شرایط تاریخی - جهانی است. انقلاب دموکراتیک و ملی ایران با ددا شهنائی مدتها بدو ادامه خواهد یافت. این قدرت، قدرت انقلابی مشترک کارگران، دهقانان و بیسده و ران ایران، قدرت توده ها است. ما دانکه این قدرت بوجد و نیامده و این مسائل حل نشده همیشه امکان بازگشت است. بدین مقصود "پرولتاریا آگاه با بدیمرست موقوف خود را در یک حزب انقلابی متحد کند" و رهبری توده های مردم بویژه دهقانان را بدست گیرد. والا اگر پرولتاریا آگاه بوظایف تاریخی خود آشنا نشود و توده های کارگری را در اطراف خود متحد نکند و توده وسیع دهقانان را در کنار خود بسیج نازد، خطر آن خواهد رفت که انقلاب ایران دچار هرج و مرج شود و آن وحدت کلمه و اتحاد مستحکمی که برای پیگیری انقلاب و مقابله با تحریکات و مداخلات و پیشروی دوباره ارتجاع داخلی از راه کودتا یا تاجا و زلام است بدست نیاید و حتی این توده تفرقه بورژوازی و خرده بورژوازی در صفوف توده های کارگری نیز منعکس گردد. تا مین این چنین "وحدت کلمه" و اتحاد نیرو - مندی چون تکیه گاه مطمئنی برای مآزات انقلابی احتساب ناپذیر آتی همه مردم با ارتجاع و امپریالیسم و نیز برای خنثی کردن تاثیرات سوز یک انشعاب بورژوازی و بسوسستن کامل بخشی از آن به صفوف یک ضد انقلاب تجدید قوا یافته یک ضرورت تاریخی است.

این ارزیابی و ضرورت مستم - گیری فوق کامل با واقعیات جامعه ما و با نظریات ما نوشته دهن، کسه استاد انقلاب در کشورهای وابسته و زیرستم میباشد، جوهر در مبادی و تحولات یکساله اخیر پس از قیام نیز صحت و ضرورت آنها را به اثبات رسانیده است. ما چه برخورد و چه سیاستی با بد در مقابل حکومت فعلی و نیروهای بورژوازی و خرده بورژوازی در قدرت سیاسی داشته باشیم؟ سیاست و تسلط کتیک پرولتاریا در شرایط حاضر چیست؟ بدیده ما در اینجا دو انحراف وجود دارد، که هر دو از ارزیابی یک

جانبه و ذهنی ماهیت طبقاتی و حرکت نیروهای جدید کما و واقع و شرایط جامعه در مجموع خودتاشی شده است. این دو انحراف: انحراف فرصت طلبانه، راست و انحراف فرصت طلبانه، "چپ" میباشد، که هر دو آنها گمراه کننده و نادرست بوده، رهبری سیاسی پرولتاریا را منتفی گردانیده و در نتیجه راه فدا انقلاب را هموار می کند. انحراف فرصت طلبانه، راست با تکیه بر تفاد بخشی از حکومت کنونی با امپریالیسم بر ما هیت طبقاتی فد توده ای و سازش محافل بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم به آنها ده های ارتجایی و اساهای عقب ماندگی و وابستگی کشور برده می کشد و عملاً بیرو-لتاریا را به دنباله روی از بورژوازی دعوت میکند. انحراف فرصت طلبانه "چپ" با تکیه بر تفاد حکومت کنونی با کارگران و دهقانان بر تفاد امپریالیسم با محافل بورژوازی و خرده بورژوازی درون قدرت برده و با ماجراجویی دعوت میکند، جریا - نهائی نظیر گروههایی که "حزب رنجبران" را پدید آورده اند و تبلیغ انحراف فرصت طلبانه را است. اند، و جریا نهائی نظیر "راه کارگر" و "ما زمانه پیکار" و مانند گان نشان طیفی از مبلغان انحراف فرصت طلبانه "چپ" را نمایندگی میکنند. ما در همان جمع بندی خود پس از قیام ("حقیقت" ۲۷) نوشتیم: "در شرایط کنونی که ما همان ضایع متوسط و کوچک، باز کارگران، دکان، انداران و کسه و صنعتگران با وجود قوتلندهای بخشی از قشرهای روشن - فکری خودشان منافع خود را در حکومت موقت بورژوازی ملی و لیبرال تضمین شده بدیده و تا حدی کارگران را سیزده سال خود کشیده اند و نیز بیعت ماهیت دوگانه این حکومت سیاست و تاکتیک ما نیز در مقابل حکومت باید دارای ماهیتی دوگانه بوده و بنا بر شرایط و تغییر روش حکومت و حرکت توده های مدافع آن تغییر کند." بدیده ما این ارزیابی از ماهیت حکومت و روش طبقاتی با دده بدنان علی رغم آنکه محافل راست بورژوازی ملی (ما شند "تهفت آزادی") تریک در این قدرت، در مقطع کنونی عملکردی یکدست فدا انقلابی دارد، لکن با توجه به نقش و جایگاه ویژه نیروهای خرده بورژوازی درون آن کما بیش همچنان برقرار بوده و مبتنای سیاست و تاکتیک عمومی ما را تشکیل میدهد. بعلاوه بقیه در صفحه ۸

# حقیقت

با ددا اشتیاقی ...

ما هما نظور که از ابتدا گفتیم یکن سیاست و تاکتیک " بنا بر شرایط و تغییر روش حکومت و حرکت توده های مدافع آن " تغییر کرده و میکند .

اما این سیاست و تاکتیک عمومی ، که دارای ماهیتی دوگانه بوده بنا بر شرایط تغییر میکند ، دارای چه معنای مشخصی میباشد؟ بدیده ما معنای مشخص آنها ، که در همان سند آمده است ، چنین است :

اولا ، " سرولتا ریای آگاه در عین ثلاثی برای ایجاد یک اتحاد کارگر دهقان با بدو زمینه صد امیرالیستی و در برابر تحریکات ابرترتها و تنشات عوامی رژیم استبدادی دست سانداده سابق ، که عوز مواضع خود را در دستگاه دولتی و در اقتصا د کشور حفظ کرده اند ، از سیاست عمراهی و مبارزه بیرونی که ویای پادار سیاست دسیله روی اسپوریت تونستی راست که تجدید قوی ارتجاع داخلی و مصالح امیرالیسم را دور برمال بورژوازی ملی وحتی خرده بورژوازی بتمصب جز ملاحظیات خود سباه و از سیاست ایورتونستی جب که تحریکات بورژوازی ملی و خرده بورژوازی سمعبر را ساروی آوردن حکومت فعلی سوی مانسیم یکی می بدارد و حذر کند ."

ثانیا ، " سارشد و کونفائی جیتی بوده ای درسوای مختلف و ساه توجیه یحکنی شرایط و استفسال توده ها میثوان ویای بدیده تنگنسل ارگاسهای حاکمیت بوده ای بصورت انحصا یا ثورا های نسوده ای در شهرها و دهاب سای رسانند ."

ثالثا ، " در عین حال سیاست نشا را زیاتین را سبب به حکومت موقت کسوی ادا نه داد ."

بدیده ما اینها همچنان مبنا کا ر بوده و معنای مشخص سیاست و تاکتیک دوگانه سرولتا ریای را در شرایط حاضر تشکیل میدهد . فرصت طلبان راست و قافیه با فان " جب " هنگامی که به این معانی میرسنده فریادشان بلند میشود . فرصت طلبان راست ، که از مگاتب روبرویونستی الهام میگیرند ، مبارزه توده ها را علیه اقدامات ضد مکرراتیک بورژوازی ملی و اقدامات کور مغزانه خرده

بورژوازی و ثلاثی برای تشکیل یک حکومت دموکراتیک طبقات انقلابی زیر رهبری سرولتا ریای محکوم می کنند و بهیها نه تنها دایمیریا لیسیم سیاست ، طبقه کارگر را به تائید و تحکیم حاکمیت فعلی دعوت میکنند ؛ حال آنکه فرصت طلبان " جب " ، که از مگاتب تروشکیستی تغذیه میکنند ، هرگونه اتحاد عمل سرولتا ریای را با محافل بورژوازی ملی و خرده بورژوازی علیه امیریا لیسیم محکوم کرده و بهیها نه تنها حاکمیت فعلی با کارگران و دهقانان ، سرولتا ریای را به اقدامات ما جرایوپا نه ، ویای عملا با سیفیم سیاسی ، دعوت میکنند . فرصت طلبی راست و قافیه با فی " جب " عملا آب به آسیاب ارتجاع و امیریا لیسیم میریزند .

رفیق ما ثونسه دون در ارزیابی از اجزای بورژوازی و خرده بورژوازی متذکر شده است که سرولتا ریای در مجموع یک سیاست اتحاد دوما رزه را با این اجزای ما بدین روش گیری ، در یک شرایط تاریخی با سداب آنها مبارزه کند و حال آنکه در شرایط تاریخی دیگر با بدبا آنها اتحاد دگند ، لیکن " حی در دوره اتحاد دینیر وضع بیدیه اتحاد دوسا رزه همزمان وجود دارد . " ( " درباره " نخا د " ) رفیق ما ثونسه دون در ارزیابی از این وضع بیدیه که سیاست اتحاد دوما رزه سرولتا ریای را در قبال اجزای بورژوازی ایجاب میکند ، به تجربه انقلاب ۱۳۰۶ - ۱۳۰۳ ( ۲۷ - ۱۹۲۲ میلادی ) و نشا سات حزب کمونیست یا حزب کومسن تا نگ در جمهوری چین اشاره میکند . وی میگوید که در این دوره " کومسن تا نگ ... از یکسودر عزمه سیسر - المللی تا امیریا لیسیم در تضاد قرار داشت و بدین عهد صدامیریا لیسینی بود ، و ارسوی دیگر با بوده ها عظیم مردم کشور در ساد قرار گرفته بود . گرچه به رحمتکنان لفظ و عهده روعیده های شیرین نه داد ، ولسی در عمل نقطه به جز ساجیزی از آنها و ساه کرد و یا اصلا سبیج یک از آنها و ساه کرد . " ( " درباره " تضاد " ) .

بدین ترتیب دیگر برخلاف نظر فرصت طلبان راست نشا دنیروهای بورژوازی ملی و خرده بورژوازی متحد با امیریا لیسیم به مفهوم همسراه بودن آنها با توده های مردم ، یعنی کارگران و توده دهقانان نمیباشد . همچنین برخلاف نظر فرصت طلبان " جب " نشا دنیروهای بورژوازی ملی و خرده بورژوازی متحد با آنها با توده های مردم ، یعنی کارگران

و توده دهقانان ، به مفهوم همسراه بودن آنها با امیریا لیسیم نمیباشد . این وضع بیدیه است که ضرورت اتخاذ سیاست دوگانه سرولتا ریای را در قبال نیروهای بورژوازی و خرده بورژوازی ، از جمله زمانیکه در قدرت هستند ، ایجاب میکند . ولسی فرصت طلبان راست و قافیه با انسان " جب " ما احوالا ما ثونسه دون را ، که استاد مسلم انقلابات دموکراتیک و ملی و سیاست و تاکتیک سرولتا ریایر اینگونه انقلابات است ، قبول ندارد . آن یکی ها ما ساند حریکات شی " رنجبران " سه ساله روی از رهبران چین مدتهاست به آموزشهای ما ثونسه دون سنت با زده و سه روز - یونسیم گراشیده اند ؛ و حال آنکه این یکی ها هم مانند " راه کارگر " ، " بیگار " و شرکاء احوالا به اندیشه ما ثونسه دون با و رسا شده و رسا رند و به تروشکیسم گرایش دارند . بنا به براس انتظار نیست که با این حریقا گره ای از کلاف فرصت گرا شده آنها باز کرد .

سیاست ما در قبال تحریر یکا ت و اقدامات ضد انقلابی بورژوازی ملی ، روحانیون جاه طلب و دستجات متعصب خرده بورژوا ، که آلت دست بورژوازی ، مالکان و روحانیون به مال و منال رسیده هستند ، در شرایط حاضر چه باید کرد ؟ فرصت طلبان راست هرگونه مقابله با تحریکات و اقدامات ضد انقلابی را ، که در واقع نشا نه ای از همدستی و آلت دست شدن عوامان آنها با امیریا لیسیم و دست نشاندگانس بوده و حمل جده بدقوا و بیضروی دوسا رزه سان است ، محکوم میکنند و حتی گناه این فتنه گری ها را نیز به گردن کمونیستها و انقلابیون میاندازند . از سوی دیگر فرصت طلبان جب شرایط در مجموع و آرایش نیروها را در کسل نظر نگرفته مقابله با این تحریکات و اقدامات ضد انقلابی را بسط یک برنا مدواستراتژی مرحله ای میسر با نند و در نتیجه به همان داسی سرتگون مینوند که امیریا لیسیم و دست نشاندگانس فرا هم ساخته اند . علاوه بر اینها دست که بورژوازی در خورده بهیها هنگ برولتری همیشه دوساست دارد ؛ یا میخواهد که پیش آهنگ برولتری دست از استقلال سیاسی و ایدئولوژیکی طبقه خود برداشته و بدینا لجه ؛ تبدیل شود ، و یا آنکه به حرکتی واکنشی وزود رس کشا نه شده منفرد و بنا بود گسرد . فرصت طلبی راست ترجمان سیاست

اول و فرصت طلبی " جب " ترجمان سیاست دوم بورژوازی اند ، و از این رو هر دو دسته ضد مکرراتان سیاسی بورژوازی در جنبش کارگری اند .

ما در همان جمع بندی خود سس از قیام نوشتیم که بورژوازی در تلاش برای تحمیل حکومت انحصاری خود مکتودتا سر و ته انقلاب را سبم آورده و بدین منظور " برای آرام کردن حالت روضه " اسطلاب درجا معسه در برابر ارتجاع و امیریا لیسیم کوساه آمده و ساه سگ نظری ها و تعصبات کور حمرده بورژوازی میدان میدهد . علاوه بر اینها به تضافه و کشمکنهای سان بورژوازی و خرده بورژوازی فارس و ملتینهای زیر ستم نیز ساره کردیم ؛ در عین حال درباره " حریکاتهای " استقلال طلبانه " و هرج و مرج طلبی خانیا و روحانیون غیر ملی سیزکه " که سنوان سراسکات یک جستر دهقانی سانیروی سسی بکدارد " ، هشدار دادیم . با زدر دنباله همین جمع بندی ( " سباد داشتی درباره انقلاب ایران " " حقیقت " شماره ۳۱ ) درباره " تشدید این تضادها شده ردا ده سوب شتمیم که " سید این اس وضع از جمله به عوامی رژیم سیاسی و سمال آمریکا و همچنین به ساسوزان و سکارنگ روسیه برژنی امکان داده و سدهد سحک و عدالتهائی سب عوامان عد هسی - کمونیست و اسطلاب توسی و سدمعی و غیره داس رده آسرایسر سدهکند " عمه اینها چنانکه در هما نجا نوشیم " تا کمیک سمرحی " از سوی کمونیستها طلب میکند .

با توجه به ملاحظیات بالا بود که در شرایط بالا گرفتن کارزارهای ضد انقلابی در ما هجای مراد دوشهر - یورا سال ضمن محکوم کردن تمامی آنها در تبلیغات و دعوت به مقابله با آنها در عمل ، در تحلیل عمومی خود از اوضاع عمومی به کمونیستها هشدار دادیم که در تعیین وظایف و تاکتیک خود دچار اشتباه نشوند ؛ چه بورژوازی ملی که " برای حاکمیت کردن سله های پیشرو سده انقلاب فعلی لیسیت میکند و بشیوه های مختلف در برابر سیریروی انقلاب سفاومت میوزند " بویژه جناح راست آن ، همراه با مالکان و هم چنین روحانیونی که بر اثر انقلاب به مال و منال رسیده و سواضع اقتصادی و سیاسی متعددی را به چنگ آورده اند ، " تا گناه سبایل دارند که کمونیستها و انقلابیون دست به حرکت بقیه در صفحه ۹



# حقیقت

یا داداشهای ...

واکنشی و معمولاً زده و در برابر تحریکات ایشان به قیام برخیزند و بدین ترتیب در شرایط سرور و عولانده می خود، هر چه رود سرقال این خطرناکترین دشمن امیال فداقلایی بی و خاه طلبانه خود را، تا هموز با شرفته و به انجام و استحکام سرسیده، سکنس و حوال خود را از این سوراخ کند. بیپوده نیست که آسان و از اساتید و گروههای وابسته سداستان و با آلت دست ایشان از همه حرکت های تحریک آمیز کمونیستی و ضد مومکرا تیک آنکار با سهاسان سیاسی سکند، هرواقعه کسود حکمی را بر حسب میا زید و میگوشتنیا رد و خورد های صومئ و کوچک را بیک کار را تحریک آمیز نام عسار سیدیل کسود و بزرگ طوه دهد و سرو ههای کمونیستی را غلطی را قبل از موعد به جنگ با خود و ادا رساند. در غلط کثرتی مبارزه برای حشی کسودن این با تیک با حواس برداشته، سرور و اهای فداقلایی و همدستان. تا و انهای با طمانه آنها در میان کارگران و سوده مردم اهمیت دارد. ( "تحلیلی از اوضاع کونی انقلاب" "حقیقت" شماره ۲۸ - ۲۵ شهر - سور ۱۳۵۸ )

در همین ارتباط متذکر شدیم که اولاً، "کمونیستها با بدبختی صوف بر اکنده، خود را یکار همد با ختمه ایجا دیک تکمالات محکم بر حاسه و بدیسان سحد کردن تشر پیشر و انقلابی بوده مردم را، که فعلا پراکنده است، سکن سازند، ثانیاً، "آسان فعلا باید در سرا بر تشنات و تحریکات خائنه سرور و اها، مالکان و روحانیون امتیاز طلبان سیاست انجام عمل ساززاتی مستقیم در شرایط سیاسی و با توجه با شیر آن سروده مردم اندازه بکهداری و بشرف تا ماسه تا مپیروی کرده، از ما خرا حوشی و حرکنهای واکنشی بر عیزیده، و آسجا که ممکن است در معرفت سرور و اری ملی، مالکان و روحانیان، با توجه ده تقاد های موجود در میان جناحهای ایشان، استعاب ادا زاند، بدین. با حرکت آسان در سمت سحر دگر در دابیدن امتیاز طلبان و مشروعه.

حسان درون روحانیان، حجاج راست سرور و اری و مالکان سرور و اری بداند. سمارت دگر ما در اینجا سه از سیاست فرصت طلبانه راست سیاسی سیاست سلیم و نه از سیاست فرصت طلبانه، هب که این اقدامات و بحریه یکات را با سه، یک برتا مهوا استراتژی جدید فرار میدهد و شعارهای خبروات میدهد، پیروی کردیم، بلکه یاد نظر گرفتن اوضاع در مجموع به تحویر سیاست مقابلیه، سخن، مینمویسا توجه به تا شیر آن بر توده مردم در سمت اشعاب اتحاد ختن در صف نیرو های سرور و اری و انفراد محافل راست و فتنه جو بردا ختمیم، این نه تفسیری در خط منی و استراتژی عمومی ما بلکه در چها ر جواب این خط منی و استراتژی و در خدمت آن بود برای همین در پی تحویر سیاست فوق متذکر شدیم که: "سراسر این حرکت، سرابط نسج و منحصدا حش مردم علیه اسرا لیس و مومکرا تیک و علیه طلبان سرور و اری بزرگوارا سه و مالکان و رسیدار ان بزرگ و اسه و در رسجا دامه، اعطاب، سهیسل خواهد گشت" تحولات آشی از آسان ما به معده محتا رزی بی ما را از اوضاع در مجموع و سیاسی که بر آن با سه با بد تجویز مینماید ملا به تیکات زمانیه. سیاسی که ما ر هم بر اساس آموزشهای ما نوشته دون، استناد مسلما انقلابیون سراسر جهان، بدست آمده و ضما محت نظرات ما مسورا در برابر فرصت طلبان "جب" و راست نه نبوت میرا ند.

آیا در جریان سرزد شد امیریا لیستی برای حفظ و گسترش آزادیهای سیاسی مردم و تشکیل یک رژیم مومکرا تیک انقلابی با سه مبارزه کرد؟ بیپوند مبارزه ضد امیریا لیستی و همچنین مقابلیه با تحریکات و توطئه گریهای آمریکای و دسته بندیهای قدرتمندی بزرگ مبارزه برای دموکراسی چگونه است؟ این سئوالیست که ما او حکیری نبرد فدا میریا لیستی مردم ایران، که درسی اشغال دلمرا نه لانه حاسری آمریکا در ایران بیدید آمد، مطرح شد، در اینجا سزبا زدا تحراف موجود بوده و هست. یک ما سخ از سوی گروه هائی نظیر "حزب رنجبران" و علی الخصوص "حزب توده"، که هریک بنا به علیی فرصت طلبی راست رایبه انقلابیون نجویز میکنند، استنست که با عمده ندن مبارزه فدا میریا لیستی و با جهت مقابلیه متحده نه با تحریکات و توطئه های آمریکا ( ویا سرور و اری هردو) با پیدا ز مطالبات دموکرا تیک دست کشید و مسئله حاسه کمیت را طرح نکرد. ( در اینجا و هر کجای دیگر این نوشته که به حریانانی چون "حزب رنجبران" یا "حزب توده" بعنوان فرصت طلبان راست بر خورد میشود، اولاً به معنای آن نیست که ایشان در درون جنبش ما جا داشته و انحرافی در درون این جنبش را تشکیل میدهند، زیرا ایشان در این جنبش، چه در سمت راست وجه حبان حاشی ندارند، دوماً به این معنی نیست که انحراف آید و جریان صرفاً فرصت طلبی راست است. بلکه غرضمان نشان دادن آشخوار انحرافات فرصت طلبانه راست میباید، زیرا ایند و جریان با ما هیت رویزیونیستی و وابسته شان برای جنبش ما "فرصت طلبی راست" را تحویز میکنند. ) بزعم ایشان پر دا ختن سه ما مثل مر بوط به آزادیهای سیاسی و بافتاری و مبارزه در راه اصلاحات دموکرا تیک و دگرگونی نظام دولتی و ارتش دست نخورده فعلی در خدمت تضعیف مبارزه فدا صریا لیستی و اتحاد مردم است کمونیستها با این حرفها که ترحمان امیال فداقلایی و انحصار طلبانه، محافل سرور و اری در قدرت سیاسی است مخالفند و بر عکس معتقدند بیخرفتی و پیروزی مبارزه ضد امیریا لیستی مردم مقابلیه موفقانه با توطئه ها و تحریکات قدرتمندی بیگانه بدون شکوفائی هراجه بیشتر قدرت خلاقه توده ها، اتحاد مستحکم و سراسری همه خلقهای ما و دگرگونی در دولت و دستگاه میسر نبوده و عاقبت قربانی حجابگریهای تنگ نظرانسه و خود غرضی های سرور و اری خواهند گشت. بدین مقصود ما بدسرحفظ و گسترش آزادیهای سیاسی و دگرگونی بنیادی نظامات با زمانه از سابق بویزه ارتش تا کیدنها دوری از تشکیل یک حکومت دموکرا تیک انقلابی، که مظهر اتحاد انقلابی طبقات ضد امیریا لیست و آزادیخواه باشد، مبارزه کرد.

برای همین ما در همان نخستین مقاله خود در بحثیانی از حرکت انقلابی "دانشجویان مسلمان بیرو خط امام" و همراهی با نبرد فدا صریا لیستی مردم ایران ( "حقیقت" شماره ۲۵ ) نوشتیم که دقیقاً با طر بیخرفتی و پیروزی این نبرد عظیم ملی، کناره زدن محافظان زشکار و قدرتمندی از اریکه قدرت و ختنی کردن توطئه های آمریکا و نقشهای کودتاه گرانه عمال و ابا دی بیگانه سه، " مردم ما بدسرای تشکیل یک دولت دموکرا تیک و فدا میریا لیستی واقعی

# اسناد افشا می‌کنند!

## آیت الله شریعت مداری مشاور سیاسی شاه مخلوع!!

بخش وزیر  
سازمان امنیت و اطلاعات کشور  
س. ا. و. ا. ک.  
امنیت داخلی  
شماره ۲۱۲/۷۶۶۲

از ابع به سرشناسی (دی)  
حسنی لم ساز  
۳۷۱۵۷/۷/۱۶

بولتن: بوسه  
در باره: مستدعیات آیت الله سیدکاظم شریعتمداری از  
بینگاه‌ها علیحضرت همان‌ها بون سا هفتا ه آریا مهر در  
مورد خست

این بولتن شامل ۲ \_\_\_\_\_ است

از سر عرض بینگاه‌ها مبارک تا هفتا ه آریا مهر گذشت

حای امضای سپیدمقدم  
\_\_\_\_\_ری

۲-

آیت الله سیدکاظم شریعتمداری در یک مکالمه تلفنی مطالب زیر را بطبع  
وضعیت روحیه حسنیه عنوان و استدعا نموده است که مراتب بشرف عرض بینگاه  
سازگ ملوکا نه برسد:

در چند روز اخیر مرا جماعت زیادی از جانب طبقات مختلف مردم بمن مشغول کرده  
خصوصاً مراجعت خمینی به کشور، اقدام من تمام من مریحاً بعضی از علیحضرت می  
ریا تم که بی‌موضوعاً این امر موافق نسیم لکن برای کافرا این تنازها و  
تشیقات که تکیه ادبها را بر اندازی شیدا شده است، بی‌شکها دی در ایشمورد  
دارم که حتماً آنرا علیحضرت همایونی از ده فرما پیدا بدیم ملحت همایندی.

بی‌شکها دمن اینست که دولت اعلام نماید تا خود به مشکلاتی که از نظر افانام  
خمینی بوجود آمده با اینکه همه گذشته بطور صریح نظر خود را در مطبوعات تراجم  
به مراجعت خمینی به کشور داشته است، بعیناً بر حسب او و ملوکا به بدستار  
ایران در فراسه بلاغ گردیده که آیت الله خمینی محاس گرفته گفته شده که  
آمدن ایشان به ایران بلا عام است.

الستهم (شریعتمداری) اطمینان دارم که خمینی هیچگاه فکر مراجعت بکشور  
را نخواهد پذیرفت زیرا او فرد دل‌مندی است سانی بر فرس که چنین ملاقاتی  
بین او و منما بینده سفارت صورت گیرد زیرا مطبعتنا دولت ایران همان شرط  
قلبی را که وفا داری به قانون اساسی هست تا او بلاغ تا بدولتی چون خمینی  
اصولاً به قانون اساسی اعتقاد ندارد لذا مشغول پذیرفت که آمدن خمینی به ایران  
منتفی است.

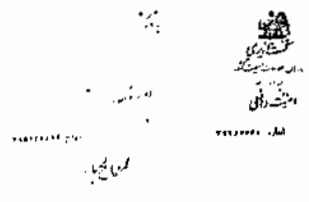
..... (در وسط آرایس مجدداً خوانا است - حقیقت)

۳-

- ۱ - علیحضرت همان‌ها بونی که مهندس ترین و بالاترین مقام در کشور اسلام  
می ایران میباشد، بدینوسیله سرگوازی و گذشت خودتان را نشان داده اند
- ۲ - دولت نیز علناً بآن مدهد که هیچگونه نگرانی از خمینی ندارند  
و سوختم طرفداران خمینی در آن زمینه سبب طرف منگردد.
- ۳ - سبجا به بحرکاتی که زائنده جراتنا با اجراست، تحقیر پیدا  
خواهد کرد.
- ۴ - مدوراس اعلامه سرسری و آمربیت تا هفتا ه آریا در دنیا و بخصوص در  
بیس شیعیان جهان نشان خواهد داد و سوختم خمینی صحت بخوادهد کردید.  
مراتب جهت استعما را طر حضرت ملوکا به امر عرضی گذشت.

حای امضای سپیدمقدم  
۱۲۵۷/۷/۱۶

اتحادیه کمونیستهای ایران



مهر  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....

آیت الله سیدکاظم شریعتمداری در یک مکالمه تلفنی مطالب زیر را بطبع  
وضعیت روحیه حسنیه عنوان و استدعا نموده است که مراتب بشرف عرض بینگاه  
سازگ ملوکا نه برسد:

.....  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....

.....  
.....  
.....



# سیاه روزگاری را بشناسیم

## اعمال خائنانه اش را افشاء کنیم

همه پیمان بر سر بسته!

خدا را می‌توانیم شکوه عظمت‌های ایران و سرخیده شدن طغیان سگ‌های بی‌ارزات ملی و پلانی در کردستان اوجی بی‌سابقه می‌باشد. اجتناب و نشاندن مالک و بیگانان از همان روزهای نخست بعد از سقوط رژیم پهلوی

شکلی خاص داشته به خود گرفتند. عقابان کرده به دلیل سرخورداری از یک سنت مبارزاتی طولانی جه از نظر ملی وجه از نظر طبقاتی و محروم ماندن از شرف، کار خود را در سبزه تو خشم در بهال حکومت جدید که سگ‌ها است طردار "مستعصمان!!" باشد، علیه مالکین ( سرمایه داران بزرگ گشای وری ) و بیگانه‌های نفوذالها بیجا حاشه و حق از دست رفته، سالیان خود را از او طلبیدند، حیثیهای دختانی شکل نویسی بخود گرفتند و حیرت که سبک خیزش سراسری تبدیل شود. مالکین در برابر این وضعیت به صورت جمعی عکس العمل نشان دادند و تشکیلاتی بنام " اتحادیه سنایری " بوجود آوردند که نتوانست به تنها حافظ مانع آنها باشد، بلکه امتیازاتی را که بعد از سال ۴۱ به طریقی از دست داده بودند دوباره احیا نماید.

مالکین حوزه دیوانه‌ساز، مریوان، منطقه آیدو منگور تشکیلات خاص خود را بوجود آوردند. دهقانان سیزده سوا را بخونه تشکیلات ارتجاعی و ضد خلقی ارگانهای سردمی خود را ایجاد نمودند. در نقاط مختلف شوراب وجود آورده و از بیبوستن جدیدا جدیدین شوراب اتحادیه‌های دهقانی فراهم آمد. از میان آنها میتوان به

اتحادیه‌های دهقانی مریوان و اووا ماسات، اتحادیه دهقانی الک و بیلوار اتحادیه دهقانی تیلکو، اتحادیه دهقانان منطقه آیدو منگور و ... اشاره کرد. این اتحادیه، سیزده اتحادیه دهقانان مریوان و اووا ماسات در سر تشکیلات نظامی مالکین، نیروی پیشمرگه بسیج کردند. نیروهای

سلح دهقانی عمرا و نیروهای ساختی شمال کردستان در چند سرخورد در مناطق حاشه، آیدو منگور و روسا‌های ناحیه و باره تا دوزیرنسا و زورگویی غای مالکین و نفوذالها را در هم شکستند.

در سال ۱۳۵۷ میلادی مالکین و دهقانان در بیشتر مناطق کردستان ارتجاعی روستاها را بوسیله نیروی غالب را تشکیل میدادند. برای نمونه در الیک سنا مرسسهای والی خان سنجی توسط روستاها مبارزه شد. همچنین در بعضی از مناطق مانند حال آباد، خانسان، باعلیجه، دلوما، قلیچیان سازه آنا دوربر، آج کی و ... روستاها را با محنتی از زمینها و محصول خود را پس گرفتند و مزارع را از جنگ مالک مالکین خارج ساختند. اما در بعضی نواحی سراسر مالکین بوسیله نیروی عمده به حساب می‌آمدند.

بدانند که مرادی در سطح سارا ال روستاها را به رسم قدیم به زیر نوع سردگی کشید و سبزه‌های عمده ساخته جدیدین ساله را از آن گرفتند. عماس خان - ساله سکه " ۱۵ خانوار روستایی را از دست داد. اربابان سرخور، سرخور، سوما و سوادوس روستاها را بطور دسته جمعی از محلهای خود سرور کردند.

در کنار این مبارزات طبقاتی خاص، کردستان بصورت سگ‌ور و برجمدار مبارزات دموکراتیک و حامی دسا وردهای مبارز بود. دسا وردهای تمام اسباب بودند:

۱- با وجودیکه مردم مسلح شده و رژیم مستعصمان آنها را طبع طبع نماسند، امکان جمع و سازمان دادن و سازمان یافتگی برای تمام نیروها با اندام راهی فراهم شده بود و رژیم مستعصمان این امکان را از نیروهای سرخورد شکستید. شوشن بطور آزادانه امکان داشت و روستاها و سراسر آزادانه سه اعشاری، سلطی و سرخوردانند، رژیم سگ‌ور شد هر آنچه که بحال

بما معن نوشته میشود، ما سرور کرده و اربابان سرور کرد. اسرار عفا سگ‌ور سرخوردی است آزادانه امکان داشت و سراسر ان مستعدا سطحی ت سارماهای محلیت سوا سگ‌ور میاید خود را بیان کنند، لیکن رژیم نوشتید تمام این نداها را خاموش کرده و سوار دیگر فضای فغان آورگذاشته را بوجود آورد.

حیث حاکم برای رسیدن به حواسه‌های ضد خلقی خود چند وسیله عمده داشت: احیای ارتش، ایجاد نیروی به اصطلاح با سارا انقلاب، احیای ژاندارمری، سگ‌ورگسار و وسایل ارتباط جمعی بطور احصاری در جهت سر آوردن منابع خود و ... اما در کردستان حیث حاکم به توجه به مبارزات خلقی کرد و افشای ما عیب رژیم توسط نیروهای عمال سیاسی و ... به آسانی نمی توانست بخواب ست‌های فوق دست یابد. مگر اینکه تکیه بر نیروهای ارتجاعی به نمایند به همین جهت سناهای نفوذالها، مالکین بزرگ و مرتجعین در کردستان را مورد توجه قرار داد. بهایی ترتیب عمده زیادی از مالکین و نفوذالها مورد حمایت رژیم سارا گرفتند و مسلح شدند. سپس تشکیلات ارتجاعی مربوط به مالکین و عشا سارا دگر دیدند، اما تعدادی از این وابس مانگان نظام

# مردم سنج پیروز شدند!

خوش گرفتند و نتوانستند حکومت نظامی را در این شهر اعمال کردند. اما مردم قهرمان سنج، که تجربه سالها مبارزه را با خود دارند، حتی یک لحظه نیز از مبارزه و مقاومت دست نکشیدند. جه در آن دورانی که فرزندان انقلابی خلق کرد، دست خلقالی جلاد در فرودگاه این شهر به خود امداد سپرده شدند و جبهه در آن دورانی که همه خبا با نیای شهزیر کنترل با سارا را و ارتش بود، مبارزه و مقاومت متوقف نشد. با آغاز مذاکرات صلح و آتش بس و باز گشت علسی نیروهای انقلابی پیشمرگه به این شهروگنایش مجدد دفترهای سازمانهای انقلابی، مبارزه مردم سنج وارد مرحله جدیدی شد. در یکسو، دفاع و مواکن سازمانهای انقلابی و شوراهای سنج در صفحه

با لاجرم به دنبال دهها روز محنت مردم دلاور سنج، که به منظور اخراج با سارا از این شهر صورت گرفت، تحصن فوق با موفقیت به پایان رسید و با سارا از اعضای این شهر اخراج شدند. این پیروزی کسه نتیجه مبارزه و مقاومت و ایستادگی مردم قهرمان سنج بود، کامی است دیگر در تحکیم دستاوردهای مبارزات انقلابی خلق کرد. ما این پیروزی را به مردم دلاور سنج و متحصنین مقاومت تسریک گفته، موفقیت روزافزون آنها را در راه تعیین دستاوردهای انقلاب آرزو می‌کنیم. سنج از جمله اولین شهرهایی بود که به دنبال یورش ضد انقلابی ارتش و با سارا در تصرف درآمد. از آن زمان به بعد با سارا از اعضای بزرگ و مسلحه و زندان و شکنجه و اعدام سارا زین، این شهروا زیر "کنترل"

تدبیر به دلیل وابستگی‌های ضد طبقاتی با رژیم شاهنشاهی حاضر به همکاری با دولت شدند. این تعداد در واسطه ضعف قدرت دولت در منطقه، کذا در سریز رفتار کرده، به تسلیم دولت شدند و در جریان قیام از بس رفتند. روشن است که این عوامل ارتجاع برای دوباره به گدا و وران قدرت آرا می‌کنند و سنج در صفحه ۱۱

# اخبار کارگری

مردورا اعتماد و محض خوب بود اما حالا چرا آمد؟ آیا با همین اعتماد و محض ما کمروزمردی بپلوی را ننگستیم؟ آیا بجز از سلاح اعتماد نمیتوانیم حواسته‌ها بیان را به کار فرما دولتی بحصول کنیم؟ ما می‌گوییم نه تنها اعتماد با حواست نیست بلکه حق مسلم کارگر علیه زور و ستم‌گرما پیدا را ن است و ما همه ما حرا می‌کنیم که حلال هر وقت لازم باشد برای گرفتن حقوق ما ن دست سزیم!

آقای معاون دادستان (و مدافع کار فرما!) در آن روزمانی که با بی اعتمادی کارگران رویرو می‌شود، خیال خودی دست پهتهدید می‌زند که بیل ما کمونیستها را از کارخانه بیرون می‌کنیم، آقای معاون دادستان نمی‌آهسته تر روی پوست خربزه راه بروید! ما را از چه می‌ترسانید! اولاً که شما نه تنها بی کارگران کمونیست بلکه ما هر کارگری که برای حقوق خود ما رزه کند مخالف و دشمنید، ثانیاً با پیدا شدن کارگران ارتش و پارتی و تانک و مسلسل بپلوی ستر سیدند حالا ارسیدید ابامثال ما بسرسند؟ شما کارگران را از اخراج کردن می‌ترسانید؟ آنهم کمونیستها را که فدای کارگری و جان با رترین فرزندان خلعند! شما بهر اسب برای خود ما ن سترسید که بدجوری کارگران به شما چشم عره فرسند و مسخره ما ن کردند!

همکاران کارگر! بر ما روش است که امثال دادستان ها، میرزاخانی ها، اشرفی ها و غیره سعی دارند همیشه ما را با حق ما را سرکوب کنند و برای اینکار راهروسیله ای از جمله مذهب، شورای حدکارگری، اسلحه و غیره استفاده می‌کنند، روش است که رایما ن بیاید امدداست که ما حواسهای ما بسرسند، بنا بر این شما باید خود ما ن متکی با سیم و ما میر برای اینکه ما با هم پیما ن بگیه خود ما ن بهین روی ما بید متنگل با سیم و این اسلحه و مسلک ما می ما در هیچ جا بحسر سدیکای واقعی کارگران صایع فولاد که ما می کارگران را در برگیرد نیست ما تا بیوی چند ما سده سیم و ما ن ما رزه را به بین برد، ما رزه با کار فرما کار جدید فریب کار ما کارگران است، بنا بر این بگوئیم سدیگای واقعی کارگران صایع فولاد را ایجاد کنیم و در آن متنگل سیم! هر چه گذرده تریا دیو ما کسنی کارگران سدیکای کارگران صایع فولاد را ایجاد کنیم تا بید ما میر با سیم و ما پیدا را ن ما می آتیا

عده ای از کارگران فاسترویلر - تهران جنوب - احوار  
 هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران

## از مبارزات کارگران پیکار گچساران حمایت کنیم

کارگران سرف صفت صب:  
 در میهن عزیز ما ایران ملت فخر ما نمان مبارزه کنسوده را علیه ما میر - با لیم بیویزه آمریکا آغاز کرده است که روز به روز عمق و گسترش بیشتری می یابد. ما رزه ای که با بد هر چه بیسترمعی با بدیه ریسه کن کردن هر چه شما مشر و سها شای امیر با لیم و یکف آوردن استقلال کامل بیما نجا مد.  
 پس از دنیا ما میر ما نانه مردم در بیجن ما ۵۷ در مقابل انقلاب ایران دو راه وجود دانست. راه ادا ما نقلاب و گسترش آن به تمام زمینها تا بینمای ایران می مستقل و دمکراتیک و راه توقف انقلاب و برگرداندن آن به عقب و عقیم گذاشتن آن. دهقانان، کارگران، خلقها، همه مردم زحمتکش و نیرو های انقلابی راه اول، و مرتجعین با زمانده رژیم سابق، مشر و عقیبان و سا - زکاران راه دوم را برگزیدند تا چاشیکه به رود روشی با هم در کردستان و گنبد و خوزستان رسیدند. خلقها میخواستند انقلاب در ما می جنبه ها و شئون زندگی - شان تا شهر گذارد، آنان خواها ن خود مختاری بودند و به حق این خواست را در جهت انقلاب و پیشروی آن و ایجاد زمینه های محکم وحدت مردم میدیدند، دولت و "شورای انقلاب" که کارخان به اعمال سیاستهای ارتجاعی و ضد انقلابی می - کنید، ما بیل بودند تا انقلاب تا همین حدی که جلو آمد توقف کند و راه برگشتت بیما یه. خواست اینان از جانب سران ضد انقلابی ارتشی که هنوز آریا مهری و آمریکا شای ما شده است، چون تا کارها، مدنی ها، چمران ها و (بقیه در صفحه ۱۸)

# آقای معاون دادستان کمی آهسته تر روی پوست خربزه راه بروید!

روزی که کارگران فاسترویلر - تهران جنوب پس از مسلح کردن شورای کار فرما شای ما بی میخواستند ما بینه های واقعی خود را انتخاب کنند از آنجائی که هر کاری که عوام مل میرزاخانی و اشرفی (سرپرست کارگاه مرما مل کار فرما) کردند ما نسنند و ما رنه ما بینه های حدکارگری ما مل مصطفی - پور را به نور با فرسند، میا سید دست پیدا من کی سیدند؟ آقای معاون دادستان!

چطور آقای معاون دادستان زمانی که ما کارگران حواسته و اعتراضی داریم به حواسته ها بیما ن محل نمی گذار دولتی و صنی صانع کار فرما را در خطر ببینند و روکلها ن پیدا میشود! آقای معاون دادستان نا آمد رتت بر سر فیه سلمان و کمونیست بیسی ما ن حیلند می ما را ارجاسات مده می برادران کارگر ما ن بدفع کار فرما و صدور حدت کارگران ما اشنا ده کسند. انگار که کارگران کمونیست خواسته های بر حدکارگران دارند! و املا اسکار کمونیستها کارگری سیدند! آقای معاون دادستان! با پیدا سید که در کارگران فریب این توطئه های شما را نمی جورید، کارگران دشمن اصلی ما ن را پیدا کرده اند و آن هم امیر با لیم آمریکا و مدافع ما ن است و امثال شما که سعی دارید وحدت کارگران را ریمان ببری و ما رخواستهای بیحق ما ن که کمک میا رزه ما میر با لیمتی است جلوگیری کنید با این کار ما ن به ما میر با لیم کمک می‌کنید. آقای معاون دادستان ما له کمونیستها بهانه است و الا چرا ما اعتماد و اعتراضی کارگران مخالف کردید؟ آیا همه کارگران کمونیستند؟ آقای معاون دادستان می‌گویید ما را بیکه شما اعتماد کردید درد می‌کنم! البته آقای معاون دادستان باید هم دردی کنید! چونکه ما ن کار فرما و شما که ما می اوستید در حواست! معلوم است در دنیا از کجاست و الا چرا ما ن که بدخواستهای ما توجه نمی کنید درد نمی کنید؟ چرا ما ن که بیجای ای مزاییش حقوق کارگران اما به حقوق ما ها نه ۲۵۰۰ تومان بی برای کارکنان ما که حقوق ۲۵ - ۲۰ هزار تومان میگیرند میاید و ما کارگران را در مسأله ورد در نمی کنید؟ چرا ما ن که نماینده واقعی کارگران را جانی بدستان کار فرما و اشرفی و میرزاخانی زخمی می کنند، به زندان می اندازند و در وجه - اس را بی سرپرست میگذارند درد نمی کنید؟ چرا وقتی که با ساداران کارخانه روی کارگران اسلحه می کنند درد نمی‌کنید؟

آقای معاون دادستان در سخنرانی می‌گوید کارگران نباید نماینده های جدیدی انتخاب کنند و همان نماینده های کار فرما شای و ضد کارگر سابق خوبند. اولاً ما نمیدانیم انتخاب نماینده های کارگران چه ربطی به معاون دادستان دارد؟ اگر شورا نماینده ی کارگران است به دادستان و هیچکس دیگر ربطی ندارد و کارگران هر نماینده ای که خود ما ن دلشان باشد انتخاب میکنند. تا سیاد ما ن آقای معاون دادستان از افراد مزدور کار فرما اصلاً عقیب نیست و ما این هم انتظار می‌باشد. اما آقای معاون دادستان با پیدا ندکه کارگران املا محلی نگذاشتند و برعکس او را هور کردند هم نیاستی تعجبی داشته باشد!  
 آقای معاون دادستان در سخنرانی می‌گوید ما مگفته است اعتماد و محض حرا ما است و کار کارگران فدا سلام است! ما می‌پریم چه طور در زمان شاه



# آقای معین فریادگاری پس است!

در پی اشغال سفارت آمریکا در تهران و زکروگان کبیری جاموسان آمریکایی توسط دانشجویان بیسرحط انجام گزیده منظور اعتراض به مرگش بود به آمریکا ولی در واقع انعکاس فریاد غلبت ایران سرطنه خیابان معصود سفارت و جیب اول اموال ملی و دعالت - های مکرر آمریکا در ایران بود. عیان - ررات خدا میریالیسی مردم سپهتمان را در مرحله بومیی کشد. در این دو - ماهه اجریمین با لطفهای آرام بوده است و همه روزه ما هدفا مزارت سلطیو - سی پرشکوه در سهران و سایر شهرهای ایران هستیم. در این مدت سورعظمی برای ستارزه منطقی با امیرالیسیسم آمریکا در بین طبقات و اقبا و مختلف مردم نگارگران - رحمتکنان - دهه ما ان - دانشجویان و ... بوجود آمده است. مردم ایران و دریاییان آنان کارگران درسراسران و در را عیاشی ها با طقات با علامت بودند که مواها ان است و لعل و کله برار داد طای اسارنا ربا امیرالیسیسم آمریکا عسدر برای رخاشی سپهر از سلطه امیرالیسیسم و برای استقلال سپهس حاضر به حمل عهد کوشه منعی بر ما شت عسدر و همچین با کید میزدند آسانده سردنا طغ و عییش کنند ما امیرالیسیسم آمریکا هستند. در همین راستا سلطه فیکران سهران ما ارمان آغسار مبارزه ۱ - جوانان قطع صدور دست به آمریکا شدند. ۲ - خواهان ملی شدن شرکت های حفاری شدند و در زمانه روز خود به ان سهم بر ما نقل آمدند. ۳ - فیکران قهرمان لاوان مرگهای وابسته یعنی بان آمریکا - سوپران - سیرین - لاپتووا و منوکی را ملی اعلام کرده و سرمایه های ایران - سگان - طای عارت و جیب اول را عصاره نمودند. ۴ - کارگران شرکت منور مستحدا سه از خروج وسایل از این شرکت وابسته جلوگیری نمودند.

در این سواست بله در سواست اوج کبیری عسار رات خدا امیرالیسیسم ملت ، آقای سیر - هر معیار و وزیرت و همچنین دست دوم "شورای استلات" خنویه در عیبت بحالت این سار رات گام برنگذارند و خوشه برای شوش های شرکت منعی و جیب امیرالیسیسم های امیرالیسیسم

آبروکسب میکند .

احیرا آقای معین مرد درمنا -

جبهای اعلامی می باشد : ایران در

مناخ شرکت های شرکت منعی سپهس

می خود با مناد دوستی هدم دی

ماه ، به موجب قرارداد بناس کد

دورکت بی بی و منل حدود

۲۵٪ ارتعجام ایران را تصدیق کند

و سودی که از سبج های تروس عاید

آن می شود بین شرکت ملی نفت ایران

و شرکت های مربوط تقسیم خواهد شد .

ما شوال میکنیم اول اجرا

با پیدا دورکت سرسین بیرولیسیسم

شل قرارداد همکاری و مشارکت است .

تا آای معین بر حرام عیبت

ان دورکت شرکت امیرالیسیسمی

ندارند و با تعددی کنند ما هیت

آنان را کفین دورکت "سیر المظلی"

لا بومیی کند. در سواطی که طلیت

مهرمان ما و فیکران دلیر جوانان

قطع فرگوبه وابستگی بریدن هستند

سدهای وابستگی به امیرالیسیسم -

ها عسدر در نا لنگه ملت ما تا سکه

ما آمانده همه کوشه حفاری و عداکاری

سرای استقلال سپهس هستند. در واقع

را بوالی که امیرالیسیسم و در ان آنها

آمریکای خاص کار مسئول استواج

سواطه عیبت برای عفت کردن استلات و

خلو کبیری اسار رات ملت ما هستند .

استکوبه برار داد های حسککاری و

مبارکت عیبت منعی می دهد؟ حبه

کنای می بنا دارنده که ایران را حفارد

احفادی کند؟ حشکای از ایس

سیاست رسالت های ما حشکای

می کند؟ کار سیر؟ کار مرگه سسها

بمانده شروچی از امیرالیسیسم ما

هستند. ان امیرالیسیسم کیست و

چست؟ آیا امیرالیسیسم فقط در وجود

مردی با سید آهای کار است! منعی سیر

بماند با اسکده سورنا لسیسم منعی

سیمی اطلاق استکود که عیبت شرکت

های شرکت "سیر المظلی" استواست

امیرالیسیسمی با روابط سلطه گران

و طالما عیبت عارت و بیچاره ساس

ملت های حشکای عیبت و اردیدن از رن

کارگران و رنجشمان ملل محروم

عیبت می ماند .

آقای معین بر حشکای عیبت

دا عسدر عیبت سیرین سیرین و منل

و ... سود که عیبت ما را عیبت می

گردند ، عیبتان بودند که ان روابط

طالما عیبتا سرت ما بحسب کردند به

مد و بیسناسی عیبتها بودند که عیبت

رها ما عیبتا سرتا عیبت سرت و

عسرت و سرتا سرتا را بیبا کردند بود .

طالما عیبتا سرتا که خود آهای معین سرت

اعسرتا سرتا که این دورکت سرتا

ملی از ایلات بیرون حدود ۲/۵ سلطیون سرتا

عیبت ما را به عارت می گردند . حساب

جکوبه می سودا و رگوبه که این دورکت

با ما به اصطلاح مبارکت و همکاری کند

و برار دادی عا دلما عیبتا سرتا

ان باور ها سرتا را بیبا سرتا

سرتا سرتا و سرتا سرتا انما عیبتان

روابط اسارنا ربا روستکس! در سواطی

امیرالیسیسم ما به اخلاقی سرتا سرت و

انما سرتا و سرتا سرتا و سرتا سرتا

کدا چاشی عا در هر حبه سرتا سرتا

آسرتا سرتا سرتا سرتا و سرتا سرتا

همه کوشه عیبتا - عیبتا سرتا دردی

چسول و عیبتا سرتا سرتا سرتا

را در طول سرتا سرتا در ان عیبتا سرتا

لیست عا در ان سرتا سرتا و سرتا سرتا

عدا عیبتا و در کد کرد عیبتا سرتا

را عیبتا سرتا سرتا سرتا و سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

شوسی عیبتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

در ان سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

دعا بر منعی خود منطقی خواهد شد

خصوصی شرکت های زاپسی همچنان

شرکت های "بی بی و منل که دعا بر -

شان در حال حاضر بیشتر از ۸۰ درصد از

احصایات آنها می باشد ."

چند سگه دیگر : سگه سگه

منعی سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا

سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا سرتا



# پیروزی کارگران مبارز چوکا

## (بندرانزلی)

کریبای متعدد از مدیران نالاین سر-کت ادا ماه می یابد.

بالاخره آقایان داوران، (استاندار کیلان) و احسان بخشنما - پندها (مدرست) سر میسند. استان - ندر طبق معمول بنس بلندگو میروند و از بودر خوشنوشی و مایون برای کار - کراں حرف میزند که نتیجه ای حاصلش نمیشود. سپس آقای احسان بخشن راجع به مسایل مطروحه در قطعنا به صحبت میکنند که کارگران بعد از هر سخنرانی دو شعر "معا دطعنا معا جرایا یکدیگرند" اما می ساواکی انشاء باید کرد" را میدهند. بالاخره تصمیم بر این گرفته میشود که آقای اساندار، آقای احسان بخشن، سرپرست مجتمع و مسال - پندگان شورا کرده جمیع شوند. در جلسه مریور و اصحاب زیرک پیروزی کار - کراں "چوکا" را نشان میدهند. سلام

میکردند: مورسجلسه "در تاریخ ۲۳/۱۰/۵۸ جلسهای با حضور "دکتر داوران اساندار کیلان، آقای "احسان بخشن نماینده امام، آقای "انجم سرپرست طرح و مجتمع کیلان و "اعضای شورای کارکنان چوکا جهت "حل مسایل کارکنان در صنایع چوبه" تشکیل گردید. در این جلسه تصمیمات "بر اینها شد:

۱- در مورد راه اندازی صنایع کاغذ "مقرر شد آقای دکتر داوران و آقای "احسان بخشن مسایل را با شورای انقلاب "مطرح و مصرا خواستار روشن شدن هرچه "سر بعنوان قرار داد با شرکت اسندا" "تشریح و با اطلاع کارکنان رساننده" "تا مشکلات موجود در سر راه اندازی" "صایع کاغذ بر دشته خود.

۲- مقرر شد هیچ یک از مدیران مجتمع "در انتخابات شورا داخلی نداشته و "این امر وسیله خود کارگران انجسام" "گیرد.

۳- برای پاکسازی شرکت مقرره شد "آقای ما بر مقدم بعنوان نماینده "چوکا با کفیس ما می از حجاج" "احسان بخشن به سپاه با داران رسانده" "مراجعه و با مطالعه مدارک مربوطه "های موجود اسامی ساواکی های شرت" "کتاب بیرون آورده شد با اطلاع کارکنان" "برسد.

۴- با توجه به تورم موجود در مجتمع "ار لحاظ نیروی انسانی شتابانج" "بقیه در صفحه ۱۷

با شرکت کارکنان با شعار "فرار داد" تحمیلی انشاء باید کرد. راه اندازی بدون وابستگی" باید کردند. سپس نماینده شورا در مورد اسامی اسامی ساواکی و عوامل رژیم گذشته ترمیحاتی داد و هر همدها شای به کار - کراں در ایستگاه بیست و هشتاد و دو.

در حین تجمع کارگران، آقایان بیسواکی نماینده ما در بندرانزلی همراه چند روحانی دیگر وارد "چوکا" شدند و یکمتر به طاق مدیرعامل رفتند و برای رکنان گفتند که بین اسبابا ریسراری کارگران صحبت کنند. بعد از این آقایان بیسواکی مطابق معمول سخن را آغاز کرده و گفت که فخری انقلاب ما با انقلاب با ب دست در راست است که ما بفرمان دیاب سیستم سلک در اندیشه معنویات می - با سیستمی لاجرم در پایان سخنان - گفت که خواسته تان بر حق است و لسی یکما مه ملت بدهد. این امر بسیار

اعتراف میدید کارگران مواجهد. یکی دیگر از روحانیون بنس بلندگو رفت و گفت "آقای بیسواکی شما بنده امام امت است و وقتی ایشان ارسمای - خواهند که یکما هر صرت بدهید یعنی اما ما از شما میخواهد" ... که یکی از کارگران گفت ما یکما مه ملت داده - ایم. این خواسته ها را امروز مطرح نکرده ایم و این قطعنا ما مال یکماه پیش است.

بنابر این کارگران علییرغم همه وعده و وعیدهای نمایندگان امام و روحانیون، تصمیم میگیرند که از یکشنبه ۲۳/۱۰/۵۸ با اعتصاب و تحصص برای اجرای خواسته ها و قطعنا به برسند و قرار میسند که جمیع در سالن سرپوشیده خفته چندلا صورت گیرند. صبح روز یکشنبه نزدیک به سه هزار در کارخانه خفته چندلا جمع می - گردند و شعار "معا دطعنا معا جرایا یکدیگرند" اسامی ساواکی انشاء باید کرد" را سر میدهند. گردهمایی بسیار سخنرانی نمایندگان شورا شروع می - شود. ابتدا اطلاعیه ای در مورد تکذیب شروع بپراکنش صدا و سیما مرکز درست خوانده میشود. (صدا و سیما مرکز - رست و تب قبل در ساعت ۱۹ اعلام کرده بود که کارگران و نماینده امام به شوافع رسیده اند) و اعلام میشود که تخمین و اعتصاب تا حصول نتیجه قطعی همچنان ادا معادله. تجمع با انشاء -

پرداخت میکنی؟ چگونه به عده ای این حقوقها را میسر داری، ولی از پرداخت ما به اتعاقوت کارکنان طمره میروید؟ تا بالاخره یکی از کارکنان به اینسان میگوید که فخری سما با مدیرعامل سابق معتقد (پرسیده معتقد) در اینست که ایشان جلاد زاده بودند و شما داد صادر آقای علامه نوری، ولی عمل تان هیچ فخری با هم ندارد. بالاخره علییرغم همه بیاناتها و کارکنانی های مدیرعامل، کارگران و کارکنان وی را میسور میکنند که صورت جلسه ای را که توسط شورای کارگران تنظیم شده بود، مبنی بر لغو احکام ما در راه زد و خورد و در اینسان به کارخانه با ما بید. کارگران اولین پیروزی خود را بدست آورده بودند. ولی بزودی مهلت یکساعته قطعنا به پایان مییافت و مسالزه ای دیگر در پیش بود.

روز شنبه ۲۴ دیماه، با بیان یک ماه مهلتی بود که کارگران به مدیریت در اجرای معا دطعنا مه ۱۹ آور داده بودند. بنابر این کارگران از صبح شنبه از قسمت های مختلف شروع به راهپیمایی سوری ساختن قسمت اداری کارخانه کردند. شعار کارگران عبارت بود از "معا دطعنا معا جرایا یکدیگرند". در مقابل با خصمان اداری جمع کردند و یکی از نمایندگان شورا موا د قطعنا معا جرایا کارگران تشریح کرد. در مورد راه اندازی کارخانه کاغذ، نماینده شورا نا کید کرد که تا قرار داد کارخانه با شرکت کارکنان نشی است. تلر توسط هیات مدیره لغو نکرده، کارخانه را نمی افتد، این نماینده در افشای مدیریت اظهار داشت که مدیریت اصلا بفرگرا ه ادا - ختن کارخانه نیست بطوریکه چندین پیش میخواست ۲۵ تن خمیر کاغذ را به کارخانه ای پارس بفرستد که با مخالفت شورا و سرپرستان روبرو شد و از اینکار منصرف گردید. نماینده شورا اظهار داشت با اینکه سرپرستان قسمت های مختلف طی نشست ای اعلام داشته اند که از نظر تکنیکی قادر به راه اندازی کارخانه هستند و احتیاجی به مهیندسین و کارشناسان خارجی نیست، با این وجود مدیریت هیچگونه ادعای در لغو این قرارداد را در تار مهربانی نیستی ننموده است. کارگران گفته های نماینده خویش را در مورد لغو قرارداد

پرداخت میکنی؟ چگونه به عده ای این حقوقها را میسر داری، ولی از پرداخت ما به اتعاقوت کارکنان طمره میروید؟ تا بالاخره یکی از کارکنان به اینسان میگوید که فخری سما با مدیرعامل سابق معتقد (پرسیده معتقد) در اینست که ایشان جلاد زاده بودند و شما داد صادر آقای علامه نوری، ولی عمل تان هیچ فخری با هم ندارد. بالاخره علییرغم همه بیاناتها و کارکنانی های مدیرعامل، کارگران و کارکنان وی را میسور میکنند که صورت جلسه ای را که توسط شورای کارگران تنظیم شده بود، مبنی بر لغو احکام ما در راه زد و خورد و در اینسان به کارخانه با ما بید. کارگران اولین پیروزی خود را بدست آورده بودند. ولی بزودی مهلت یکساعته قطعنا به پایان مییافت و مسالزه ای دیگر در پیش بود.

کارگران مبارز مجتمع چوب و کاغذ بندرانزلی (موسوم به چوکا) مدت طولانی است که در جهت احقاق حقوق خود دست به مبارزه زدند. این مبارزات در تارکامل خود، در اواسط دیماه ۱۳۵۸ با لگرفست و کارگران مبارز اولین پیروزی خود را بدست آوردند. گزارش زیر مختصری است از چگونگی حرکت مبارزاتی کارگران چوکا:

کارگران مبارز چوکا خواسته های اصلی خود را طی قطعنا می که در ۱۹ آذر ۱۳۵۸ صادر کرده بودند اعلام داشته بودند. رئیس خواسته های کارگران عبارت بود از پاکسازی کارخانه از عوامل ساواک و رژیم پرتگون شده شاه مخلوع، راه اندازی کارخانه بدون هیچگونه وابستگی به شرکت کارکنان است. تلر، طرح طبقه بندی مسال، و برسمیت شناخته شدن شورا و یک رشته خواسته های اقتصادی. کارگران پس از انتتار قطعنا مد در تاریخ ۱۹ آذر، یکما به به مدیریت کارخانه مهلت دادند تا به این خواسته ها رسیدگی کرده و در راه انداختن مسال اقدام کنند. ولی طبق معمول هیچ حرکتی صورت نمی گیرد.

در روز ۱۷/۱۰/۵۸ اعلامیه ای از طرف شورای کارگران صادر میشود که در آن سرده از احکام نویسی که از طرف آقای صدر، مدیرعامل جدید، صادر شده بود برمیخاست. متن اعلامیه بدینقرار بود: "نظریا اینکه مدیریت جدید در بدو ورود قبول داده بود که حقوقها را تعدیل و از پرداخت حقوقهای کلان جلوگیری نماید و از آنجا شیکه این مدیریت خود را پیرو خط امام و حاکمی مستضعفین میداند، یکی از شاخه کارهای این مامان جدید مستضعفین که بر داخت حقوقهای ۱۷۷۵۰۰، ۲۰۷۵۰۰ و ۱۶۷۵۰۰ به آقایان بیرومژون، وریوری ویاوری میباشد را با اطلاع میسازند". بعد از مدور این اطلاعیه از طرف شورای کارگران، کارگران همگی در موقع چهار طوی اطاق مدیرعامل جمع میشوند، بالاخره ایشان را در محل کنفرانس - بان در کارخانه کاغذگیری اندازند. با کارگران از او ویا خواست میکنند که چگونه میگوشتی کارخانه به بوده ندارد، لیکن چنین حقوقهای کلانی هم

۱۵ هزار تومانی پس از یکسال .....  
 با هیت و نیت خود را در سکا بردن این  
 کلمات بخوبی بهم نشان داد.  
 وی همچنین با ارائه طرح دوم  
 (طرح پیشنهادی استانداریان) و اینکه  
 "... سرمایه‌زما" (یعنی دولت) و  
 "کارزارزما" (یعنی کارگران بی-  
 کاری) میخواست "غالبه" را ختم کند.  
 یکی از کارگران حاضر در سالن از وی  
 پرسید که چرا بجای سرمایه‌گذاری و  
 ایجاد کارخانه‌های مجدد، همین کار-  
 خانه‌ها را برآه نمی‌اندازند؟ که چون  
 ممیزی نتوانست جواب قانع کننده-  
 ای باین سؤال بدهد، از طرف کار-  
 گران با استقبال روبروند. همین  
 کارگردر ضمن قسمتی دیگر از صحبت-  
 های خود بآوردن مقداری آسار و  
 ارقام از جد کارخانه موجود در رشت  
 شواست بد رستی برای کارگران نا-  
 بت کننده تمام این حرفها بیپسوده  
 است و من ذکر نکرده‌ام برای رسیدن وحل  
 ساله بیکاری باید برین همین  
 کارگران عده‌ای بمسوا ن نماینده  
 استخا ب شوند و از طرف نما (استان -  
 داری) باین نمایندگان بسا دادن  
 کار و اختیارا ت نا سونی کمک شود  
 تا خودشان بکارخانه‌ها سر وید و برای  
 تشخیص ظرفیت استخا می کارخانه-  
 ها تا خودشان بکارخانگی این کارخانه  
 گفتگو و تحقیق و بررسی واقعی نمای-  
 ید.  
 کارگردیگری به نیال ناشد  
 اس سخا ن با ارائه مدارک و شواهد  
 و افشاگری ثابت کرد که "کمبود مواد  
 اولیه" بهانه سرمایه‌داران است  
 (وی گفت که اکثر کارخانه‌ها همین-  
 برای ۵ سال بعد مواد اولیه خیره  
 می‌گند). وی با ذکر ارقام نشان داد  
 که چرا رسیدن کارگران کارخانه‌ها  
 بنده کارخانه می‌شود؛ او می‌نمود که  
 با کم کردن تعداد کارگران، اسرار و  
 کارگران شاغل فعلی در درون کار-  
 خانه‌ها از نرس بیکاری با همان سرود  
 سابق حاضر بکار رند و باین وسیله-  
 تعداد کارگران کمتر، پرداخت دستمزد  
 کمتر ولی سود خیلی بیشتر را بسا  
 است. (با بدیلت احساس همین خطر  
 است که کارگران شاغل نا آگاهها سه  
 کارگران بیکار را "سعدید" و "دشمن"  
 در مقابل خود می بینند.)  
 نماینده استا ندار که دیگر حرفی  
 برای زدن ندا شت قول داد که به نما-  
 یندگان استخا بی کارگران کسارت  
 وزود مجا وبه کارخانه‌ها وسایر کمک‌ها  
 را بنماید.  
 با استخا ب و نا شید خود کارگران  
 بیکار حاضر در سالن استا ندار، ۵ نفر  
 بعنوان نماینده استخا ب گردیدند.

نمایندگان پس از استخا ب شدن، هر-  
 یک با ابراز وفاداری به خواسته‌های  
 برحق کارگران و عدم خیانت و سازش با  
 صربی خود مقداری از نحوه کار خویش  
 صحبت کردند. از جمله بوسیله یکی از  
 نمایندگان پیشنهاد شد که با اید از طرف  
 استا ندار ی یک ماشین در اختیارشان  
 گذاشته و برای اینکه کار ملا وقت  
 خویش را صرف مسایل کارگران نما-  
 ید، از طرف استا ندار ی بدانسان  
 هزینه مالی شیزتعلق گیرد. متسن  
 تا ئیدنا مه بیستینا دی نمایندگان پس  
 از قرا ت بوسیله اکثر کارگران اعضاء  
 شد. نمایندگان قول دادند که تمام این  
 جریانا ت را برای آگاهی بقیه کار-  
 گران در روز سه شنبه ۵۸/۱۱/۲۲ در اداره  
 نیروی انسانی مطرح نمایند.  
 چند تذکره: ۱- در مبارزات و  
 اعتراضات بحق کارگران بیکار،  
 زنان کارگر، همواره مورد تمسخر و  
 تحقیر برخی کارگران نا آگاه سرود  
 قرار میگیرند، که این خود نشانه‌ای  
 از نداشتن آگاهی و عدم آشنائی به  
 لزوم اتحاد دو یکبارگی در بین کار-  
 گران است. ۲- بسبب تبلیغات  
 مسموم، اکثر کارگران نسبت بواقعیت  
 و ماهیت بیکاری بی تفاوت بیسوده و  
 افرادی را که در این مورد افشاگری  
 نمایند، مسخره و بی سوجهی میگردند.  
 ۳- وجود عمال مزدور و خیرچین (بنا  
 با نظارتی چند با ساد ر نیز همیشه در  
 جمع می‌ولند) در بین کارگران  
 بیکار ربا عت شده که با وجود تمام افشا-  
 گریهای کارگران و مساز آگاه، هنوز  
 این سپاه عظیم زحمتکشان از اتحاد و  
 اسجا م کامل و یکدست برخوردار  
 نکرده. ادا مدایی پراکنده کی مطعا  
 بزودی مسجر به طرح نوظئه و نقشه‌های  
 سوم برای "خلاص شدن" و "تک کردن"  
 کارگران بیکار ر بیشرو و مسرقی خواهد  
 گردید. ۴- کارگران شاغل با یسده  
 بدانند که این لنگر عظیم بیکار در  
 واقع توظئه سرمایه‌داران است  
 برای مزد کمتر و سود بیشتر، و این خود  
 ارمعل کرده‌ها و ماهیت را لوصفت سرما-  
 یه سرمایه‌داران است. کارگران  
 شاغل نه تنها نباید کارگران بیکار  
 را "دشمن" خود میدانند، بلکه باید هم-  
 گام با آنان بر علیه سرمایه‌داران  
 مبارزه نمایند.  
 سیمه بیکاری برای کارگران پرداخت  
 باید گردد!  
 سندیگای بیکاران، بدست کارگران  
 تشکیل باید گردد!  
 زن و بچه گرسنه، صبر سوز نمی‌شود!  
 مرگ برآ میرا لیسیم آمریکا و ارتجاع  
 داخلی! کارگران متحد هاجیر، کار-  
 گران پراکنده هیچ چیز!

بیروزی کارگران "جوکا" ...  
 "الی شن نفر میتواننده همراهه مدیرت"  
 "عامل بکارا انتقال جسته، بقیسه"  
 "سریعا اخراج گردند."  
 "۵- او در مربوط به استخدام و اخراج"  
 "و نقل و انتقال داخلی با نظارت"  
 "و مشورت شور ا انجام گیرد."  
 "۶- پس از معرفی سه نفر از طرف شور ا"  
 "بعنوان سرپرست انتظامات کلیه"  
 "افراد مسلح بیدرتنگ مجتمه را ترک"  
 "کرده و فرودمذکور از طریق استخا ب"  
 "افراد ذیصلاح مسئولیت انتظامات"  
 "مجتمه را بسنده خواهد گرفت."  
 "۷- در مورد ما به اتفاق کارکنان"  
 "مقرر گردید یک سوم (۱/۳) طلب کارکنان"  
 "با حقوق ماهه جاری (دیسماه) ۵۸ پسرت"  
 "داخت و ما بقی تا پایان بهمن ماه"  
 "پرداخت گردد."  
 "۸- طرح طبقه بندی مشاغل کار-  
 گران و کارمندان با نظارت شور ا"  
 "کارکنان در سطح مجتمه از اول سال"  
 "۵۸ تهیه و اجرا شود."  
 "۹- ضرایب حقوقی بتصویب هیات"  
 "مدیره رسیده و بنا بقول سرپرست"  
 "مجتمه آقای انجم عنقریب پرداخت"  
 "میشود."  
 امضاء:  
 "دکتر دران استا ندار، نماینده"  
 "امام احمد نبی، نمایندگان شور ا"  
 پس از اتمام جلسه، یکی از  
 نمایندگان بشت میکروفون قرار  
 گرفت و بیروزی را اعلام نمود. کار-  
 گران مبارز "جوکا" به نشانه قدرت  
 دانی از نمایندگان واقعی و مبارز  
 خود در شور ا، شعار "دروغ بر شور ا"  
 را قریباً دکرند.  
 درود بر اتحاد کارگران!  
 کارگران متحد همه چیز  
 کارگران متعرق هیچ چیز!  
 در استا ندار ...  
 و معتقدیم که:  
 اولاً- کارکنان دیلمه‌های بیکار  
 استا ران از اتحاد و سیاست های روشنی  
 در حیت حیاتبیت از خواسته‌های دختران  
 متحصن برخوردار نشوده و با وجودی که  
 در اول به پیشنهادی از حرکت بحق  
 دختران بیکار رتظا هرات برآه انداخته  
 و به متحصنین میبویند و ولی با وعده  
 و وعده‌های نمایندگان دولت محصل  
 تحمن را ترک میگویند. این حرکت  
 تفرقه افکنانه یک بار دیگر لزوم اتحاد  
 و یکبارگی را در هر مبارزه‌ای بنماید.  
 بت میباید.  
 دوما- یک بار دیگر با مهملاتی که آقای  
 ربانی املشی در جهت تفرقه انداختن  
 ملیت‌ها در جمله "هشت بریه" نظیر صرف  
 کمونیت هستند و یک مشت ترک خرمی  
 توان دیدن بتا بت شده که ایشان نه تنها  
 حرکتی در جهت برآوردن خواسته‌های  
 برحق متحصنین انجام نداده اند بلکه  
 به قصد تحریک و برهم زدن تحمن سعی در  
 استفاده از روشهای محمدرضا شاهی که  
 برای وارونه جلوه دادن مبارزات خلق  
 بقیه در صفحه ۲۰

# مبارزه پیشرو کارگران بیگار (زودبار)

از مبارزات ...

ظهور نژادها بشتیبا می‌شود. دهقانان خواستار رحل انقلابی مساله‌اراضی یعنی تقسیم اراضی بزرگ مالکان توسط انجمن‌های دهقانی بودند و این خواست از سوی انقلابیون همواره حمایت می‌شد. لیکن به قدرت رسیدگان سرکوب و از هم پاشیدن اتحادیه‌ها و انجمن‌های دهقانی سبب در گردستان راکه یک جنبش عظیم دهقانی در حال شکل‌گیری بود در پیش گرفتند و اینکار را با انجام یک شبه‌کودتا و با حمله به آژانس‌های مطبوعات و بیابان و اجتماعات و غیره صورت دادند که البته شکست را نصیبشان نکرد. خلاصه بطور کلی مردم دلاور ما می‌خواستند با امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا نبرد را ادامه دهند و با یگانگان یعنی سرمایه‌داران وابسته و فئودال‌ها و مالکین بزرگ را سرچینند، اما "شورای انقلاب" همواره سیر مبارزه را به درون "خلق منحرف می‌کرد و انقلابیون و کمونیست‌ها را هدف حمله قرار میداد.

کارگران دلیر صنعت نفت:

"شورای انقلاب" امروزه سعی در مفاصل پیروفت مبارزه با امپریالیسم یعنی ادامه انقلاب گردیده و با یکدنگ رگذاشته‌شود! ما با یستی قاطعانه خواهان ادامه مبارزه با امپریالیسم تا پیروزی نهائی باشیم. ما با یستی برسریا زگرداندن شاه‌خائن و خائنه مشغور او دارائی و اموال غارت‌شده ملت، درامنا و الفای کلیه فرا رادها و مساهدات نظامی و اقتصادی سساده مخلوع و دولت بازرگان با آمریکا، ملی کردن کلیه سرمایه‌های امپریالیستی و در رأس آن آمریکا، دگرگونی و پاکسازی کلیه ارکان کشتور و بویژه ارتش با زمانده زما ن شاه مخلوع از عمال و سرسیردگان رژیم سابق و امپریالیسم آمریکا، گسترش شورا‌های نمایندگان دهقانان و تقسیم زمینهای بزرگ مالکان و فئودال‌ها در میان دهقانان، آموزش نظامی دوسر اسرکسور و تشکیل دسته‌های مجاهد مسلح در تمام شهرها، دهات و کارخانه‌ها، دفاع قاطع از همه جنبش‌های آزادیبخش بویژه فلسطین و عمان و استقلال کامل از ابرسر قدرت‌ها و امپریالیست‌ها پافشاری کنیم.

کارگران مبارز نفت گچساران:

ما به همراه تمام کارگران ایران همچنان که در گذشته بیگار کرده ایم می‌بایست در این مبارزه در صف جلو مبارزه باشیم. با افشاگریهای وسیع، تظاهرات و اشکال دیگر مبارزه دشمنی ما را با امپریالیسم آمریکا نشان بدهیم. دسیسه‌های "شورای انقلاب" را در به سازش کشانیدن مبارزه افشاء کنیم. ما باید از "شورای کارگران بیگار روشاغل پروژه‌ای گچساران" و خواست بحق آنان یعنی ملی شدن پروژه‌های جنرال مگانیک قاطعانه حمایت کنیم و از هر راهی که می‌توانیم در پیشبرد این خواست بحق کارگران بیگار کمک کنیم. ما با یستی از مبارزات دهقانان منطقه و عتاق بزرگمتکش و دلیر بر علیه خائنه و فئودال‌ها دفاع کنیم و در مبارزاتشان شرکت جوشیم. دهقانان متحد طبیعی و نزدیک ما در انقلاب دمگراتیک و ضد امپریالیستی اند. ما نباید اجازه دهیم دشمنان انقلاب این افکار و تفرقه‌انگیز را که گوشه کارگران شرکت نفت وضع رفا هیشان خوب شده و برای همین بفرکوار کارگران دیگر نیستند! شاعدهند. بین از حقه‌های کهنه شده ارتجاع است که میان کارگران نفاق بیانسداد و علت وضع بدکاران را "توقعات" زیاد کارگران شرکت نفت قلمداد کند. ما باید قاطعانه با این سیاست‌ها که هدفش جدا کردن کارگران شرکت نفتی از بقیه کارگران و مردم و برانگیختن ناراحتی و انزجار از کارگران شرکت نفتی، در میان بقیه کارگران و مردم می‌باشد مبارزه کنیم. این مبارزه مگسراز لویق حمایت از دیگر کارگران و مردم و شرکت در مبارزه همگانی ضد امپریالیسمی آنان صورت نمی‌گیرد. در حال حاضر حمایت وسیع و همه‌جانبه از "شورای کارگران بیگار روشاغل پروژه‌ای گچساران" و مبارزات دهقانان و سایر بر علیه فئودال‌ها و خائنه و طبقه ما کارگران شرکت نفت است.

برقرار با دیوبند کارگران شرکت نفت و کارگران بیگار روشاغل پروژه‌ای گچساران

از روز شنبه ۵۸/۱۰/۲۲، حدود سی نفر از کارگران بیگار رودبار (که عمدتاً از کفشی ملی اخراج شده بودند) در فرمانداری رودبار تجمعی اختیاری میکنند. کارگران متحصن خواسته‌های خود را در نکتته اعلام میدارند:

- ۱ - ایجا دکا برای کارگران بیگار شهرستان رودبار روحومه
- ۲ - نما یندگان کارگران بیگار ربا بد! ظرف فرما بندار روپا هر مقسام مسئول دیگر بر سمیت شناخته شوند.
- ۳ - فرما بندار شهرستان رودبار روپا هر مقما ممشول دیگر با بدار طساقی را بمعنوان خانکار ربا بدهد و آرا بر سمیت شناسد.
- ۴ - کارخانجات و شرکت‌ها و ادارجات و موسسات شهرستان رودبار با بدزیر نظر فرما بنداری و با هر مقما ممشول دیگر روپا مشورت نما یند - کارگران بیگار شهرستان رودبار روحومه کارگران رودبار خود را استفاده نکنند.
- ۵ - تا موقعی که همه کارگران بیگار ربه سرکار و شرفته اند با بدوا می - کاری با مشورت نمایندگان کارگران بیگار رودبار بیگار بر برداخت گردد از همان ابتدای تجمعی مقامات مسئول شهر، از فرما بندار رتا روحا نیون سعی میکنند که با تهدید و بیا وعده‌های توخالی از ادا مه تجمعی جلوگیری کنند که کارگران بیگار رز بریبا ر مشیروند. در طول تجمعی نظر اراتها ئی بیه پشتیبانی از کارگران بیگار در شهرستان میگردد. دانش آموزان بروی - اعصابی، گروهی از دانش آموزان مدرسه را همنامی ۱۷ شهریور و دبیرستان آزادگان، عده‌ای از کارگران شغل و ...

طبق معمول مقامات مسئول کارگران بیگار را از ادا انقلابی میخوانند. در یکی از اجتماعات شرح حال یکی از این "فدا انقلابیون" داده میشود: اسدیور - کارگری ۱۴ ساله که پدرش را دو سال پیش از دست داده است. سه خواهر و یک برادر در تحت تکفل دارد. مادرش نمیتواند کار کند و در نتیجه در ۱۴ سالگی نان آخورخانه شده است. او این کارگران و مبارزان را ظرف فرما بندار "فدا انقلابی" خوانده میشود.

با همه تشنات، کارگران بیگار ربه پشتیبانی گروه‌های مختلف در شهر دست از مبارزه نمیکنند. تا با لآخره سی از ۱۵ روز (روز ۲۲ دیماه) دونفر به نما یندگی از استاننداری گیلان به رودبار میآیند و مذاکرات با کارگران صورت میگیرد و قرار بر این میشود که از شنبه ۵۸/۱۰/۲۹ هجری سرکارا بریوند. ولی ساعت ۲۰ مداد روز ۵۸/۱۰/۲۳ دومینی بوس و یک جیب از بسا بنداران (نزدیک به ۲۵ نفر) به تجمعی حمله ور میگردند و ۹ نفر از کارگران را دستگیر کرده و به رشت برده و زندانی میکنند.

همان روز (یکشنبه ۲۳) تظاهرات وسیعی به پشتیبانی از کارگران و برای آزادی کارگران در بند در شهر برپا میآید. شعارهای رزمنده‌ای چون کارگران شرکت کش، فریادت را برکش علیه سرمایه‌دار - زحمتکشان میدانیند. سا و آگهی آزاد است، کارگران آزادان است - آمریکا از بیگار ننگ به نیرنگ شو، کارگران زندان دست بدست عمال توب و فرما بندار استاندار، رجا می‌سرمایه - دار ... در بین مردم فریاد میخورد.

روز دوشنبه ۲۴ دیماه با زنتظاراتی از با نشین با از ابره‌سوی فرما بندار - ری آغاز میگردد. عده‌ای از ازابا ش و گول خوردگان معروف به "حزب الهی" به تظاهرات حمله میکنند که با مقاومت صفوف منظم مجبور به فرار میگردند. بعد از ظهر همان روز، دومینی بوس از کارگران بیگار ربه رشت میروند و تظاهرات میکنند. کارگران زندانی نیز دست به اعتصاب غذا میزنند و حال یکی از ایشان بشدت وخیم میگردد. مقامات ساعت ۲ بعد از ظهر فرما زه نغرا از ادمسی - کنند. کارگران بیگار در روز ۱۰/۲۶ ضمن بر شمردن وقایع تشنات مقامات مسئول را که کارگران بیگار را "فدا انقلابی" خوانده و آرا ربا با حزب جمهوری خلق مسلمان مرتبط میدانستند (۱) محکوم میکنند: "طبق اطلاع رسیده از زندان وضع بکنفران کارگران برآ شرفنا ر اعتصاب غذا خوب نیست. با بدیسه اطلاع مردم میا روز و جتکش گیلان ... بخصوص رودبار برسا نیمه‌کارگی کسه حالش خوب نیست از جمله کارگران است که در ۲۲ بهمن ۵۷ در قیام مسلمانان به خنق ایران علیه رژیم خائنه سرمایه‌داران وابسته، در شهران همراه با دیگر رزمندگان خلق فعالانه شرکت داشته‌ایم تا بود کردن چند مزدور ضد خلقی، گلوله به شکموی اصابت کرده ... اینک استاندار گیلان، داندستان انقلاب اسلامی رشت، مپا بسا داران رشت ما را که فدا انقلابی به چنین کارگرا ئی میزنند ... همچنین کسانی را که میخواهند حرکت ما کارگران بیگار ربا بسا حرکت فدا انقلابی حزب جمهوری خلق مسلمان در یک مف قرار دهند، شدیدا محکوم میکنیم. (از اطلاعیه شماره ۸) مبارزه همچنان ادامه دارد و کارگران بیگار دیگر خواسته‌های خود را مطرح کرده و برای آن میجنگند:

۱ - آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی  
۲ - ایجا دکا برای کارگران بیگار  
۳ - بر سمیت شناختن نماینده‌ها و کارگران بیگار  
۴ - در اختیار رگذاشتن نماینده‌ها و رگرو بر سمیت شناختن آن  
۵ - کلیه استخدامات در سطح شهرستان با بدزیر نظر نمایندگان و خائنه کارگران در کلیه شرکتها و موسسات و ادارات رودبار ربا شد  
۶ - دانش آموزانی که کارگران بر سرکار ر شرفته اند با بدیسه بیگار ری طبق طرح پیشتهادی ما برداخت گردد

پیروز بسا دمبارزات کارگران بیگار و قهرمان رودبار

کسرتده تر با دمبارزه انقلابی دهقانان و عتاق بر با فئودال‌ها و خائنه‌های مرتجع عده‌ای از زنتگران گچساران (هواداران اتحادیه کمونیست‌های ایران) ۱۳۵۸۵۲۰



# حقیقت

یادداشت های ...

امریکا لیسیم صا یتگا ر آمریکا را سناسه گرفته و عملا رند می کند ، با آکا هسی و جوش و خروش که در توده ملت ما بوجود میاورد خود تفضیسی قوی ترا ز هر چیز دیگر در برابر نعدی و ضحا و زبزه آزادی های سیاسی است ، و با سار این باید از آن قاطعا نجا هایت کرد و به کسورش وزیرنا بختیدن به آن همت گما نیست " (سخنی با اتحران فجویان "حب" - حقیقت شماره ۴۵)

در همان حال ما در تعیین سیاست بیولتا ربا در نبرد فدا میریالیستی کنونی بر روی سه مساله اساسی ، که سر نوشت این نبرد و اثر گسار ذاری بیولتا ربا بر آن بدانها بستگی دارد ، تا کید گذار دیمو نوشتم "نبرد ضد - امریالیستی و ضروریات آن" ، حقیقت شماره ۵۱ :

اولا ، "طبقه کارگر با بد دل حظه کنوسی ... بر جم اتحاد بزرگ توده های محروم و خلیقهای میهن خود را فرا خسته بگهارد و از زهر حریانی که به وحدت و تنویت حبه فدا میریالیستی یساری میرساند بختیاسی کند و در برابر هر حریایی که به وحدت و تقویت حبه فدا میریالیستی زیان میرساند و صف حلی را آشسته و متفرق میگردد بایستد ."

ثانیا ، "طبقه کارگر با بد ... در لحظه حاضر ... همه مردم و واحدهای انقلابیانا را به سرچیدن بسطاط سرمایه بزرگ و وابسته ، با دهر سرمایه های امپریالیستی و کمپرادوری و نا بودی مالکیت ارضی سید فئود - دالی ، این پایگاههای اصلی نظام منحوس شاهنشاهی و اشیدا دخویسین پهلوی و عوامل اصلی عقب ماندگی و وابستگی کشور ما به امپریالیسم ، دعوت کنند و از هر حریانی که بتضعیف و نا بودی این پایگاهها و عوامل مسل یاری میرساند بختیاسی کند و با هر جریانی که به حفظ و تقویت آنها همت میگمارد مغلقت و زرد ."

ثالثا ، "طبقه کارگر با بد در لحظه حاضر ... همه مردم را به آماده سازی و تسلیح خود تشویق کند و شعاع تسلیح عمومی خلق را ضمیمه هر خواسته فدا میریالیستی و انقلابی خود گرداند و با پیدازهر اقدامی که به این آما دگی و تجهبیزیاری میرساند بختیاسی

# در آستار آنچه گذشت

در صبح شبیه ۵۸/۱۰/۱ عده ای از دختران دسامه بیکار ، برای روشن نمودن وضع خود در آموزش و پرورش آستارا متخصص شدند ، دختران متحصن قطعنا مه ای نیز در رابطه با خواسته های خود به شرح زیر با در نمودند :

۱- لغوبختنا سه منع استخدام کشوری که قانون فدا انقلابی است و تحت چنین شرایط موجود مفا بله با آمریکا نمی تواند با شکوی این امر انقلابیایران با شد و مسلما افزایش تولیدات قضا دی با لمدا خلی بسا اشتغال کامل شیروهای جوان امکان پذیر خواهد بود .

۲- با کمزاری و اخراج کلیه عوامل وابسته به رژیم گذشته از ادارات و موسسات کشور بطور فزینی سه عنوان نمونه یک ضرورت کنونی انقلاب ایران .

۳- با ز نشسته کردن هر چه سرعتر افراد را غل با ما بده کار ۲۵ ساله خدمت و با لاترویکا رگما ردن بیکاران (فارغ التحصیلان و کارگران )

۴- یک شغلی کردن کارمندان و کارکنان کلیه ادارات و موسسات و تا مین نیوا زمیندنیایی مادی آنان .

۵- حق داشتن کار و بورداخت حقوق بیکاری بطور فزینی تا ایجاد اشتغال کلیه بیکاران .

۶- طرح یک برنا مه شخصی ضربتی در بخشهای (صنعتی ، کشاورزی) از طرف دولت برای جذب کلیه بیکاران در کوتاه مدت و بلند مدت اقتصادا دی .

طی نشستی در کارتون دبیلیمه های بیکار و شهرو آستارا بمران دبیلیمه برای حمایت از دختران متحصن در آموزش و پرورش و برای جلب پشتیبانی سایر افراد شهروم و جلوگیری از سوءاستفاده کما نیکه سعی دارنده هر گونه حرکت اعتراضی را با فدا انقلابی بنا میدن جلوگیری نما یند با شعار درود به دختران مبارز بیکار دست به راه - بیما شی زدن ، با پیوستن دانش آموزان زن حکیم نظامی (بمراه ) ، دبیرستان اما مخیمیتی (بمراه ) و دبیرستان صدیقه رضائی (دخترانه) بمفوق تظا هر - کنندگان به طرف خیابان های فقیر - نشین حرکت میکنند ، روز سه شنبه بمران دبیلیمه بیکار به جمع تحصن کنندگان دختر در آموزش و پرورش آستارا می - پیوندهند ، در جلسه ای که فرما ندا ری آستارا با شرکت نمایندگان شورای شهر رئیس شهریاری ، فرما ننداری ، بخشداری و نمایندگان دبیلیمه بیکار تشکیل داده بود ، در ادامه افشاگری - نمود و هر اقدامی را که خلاف این جهت می رود و با هدف خلع سلاح دسته های مسلح انقلابی و ملی رادندال میکند افشا و محکوم ساخت .

اینها همه از ضروریات یک نبرد فدا میریالیستی است و ربطی به فرصت طلبی "حب" و راست ندارد . \*

# اطلاعیه کنفرانس وحدت

گروه های شرکت کننده در "کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر" پایان کار این کنفرانس را اعلام میدارند .

این تصمیم پس از گذشت قریب یکسال از حیات آن و علیرغم پسا راهی همکارها و فعالینشای مشتکر در زمینه های مختلف ، از آنجا که کنفرانس در اصلی ترین هدف خود یعنی دستیابی به وحدت جنبش کمونیستی ناموفق بود ، گرفته شده است ، بدون تردید نتایج قابل فعالیت کنفرانس در ادامه کوشش گروه های جنبش کمونیستی برای ایجاد حزب طبقه کارگر موثر خواهد افتاد .

در حال حاضر همه گروه های شرکت کننده معتقد به جمع بندی از این تحریکات هستند و هر گروه و یا جمعی از گروهها در ارائه این جمع بندی ها و طرح وحدت جنبش کمونیستی خواهند کوشید .

قطع فعالیت کنفرانس به هیچ وجه معنی قطع ارتباط و همکاری گروهها و عدم کوشش در جهت وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب نیست . نیروهای شرکت کننده در کنفرانس همچنان حل مساله وحدت را بعنوان وظیفه میرم و محوری جنبش کمونیستی تلقی کرده و با بهره گیری از دستاوردهای آن تلاشهای خود را برای تحقق امر وحدت ادامه خواهند داد .

گروه های شرکت کننده در "کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر"

۱۳۵۸/۱۱/۹

\*\*\*

## در اشیاء اطلاعیه کنفرانس وحدت

کنفرانس وحدت با صدور اعلامیه ای پایان کار خویش را اعلام کرد ، بر رسی فعالیت چند ماهه این کنفرانس و جمع بندی از آن ، جایگاه مهمی در بر رسی موقعیت جنبش کمونیستی ما در ماه گذشته داشته میتواند راه گشایی میرد دست وحدت این جنبش گردد . این کنفرانس در ادامه عمل پوشاندن به اصلی ترین وظیفه اش ، وحدت جنبش کمونیستی ، ناموفق بود ، دلیل این عدم موفقیت با ید بر رسی و جمع بندی شونده و از خلال آن وظایف کنونی جنبش ما در این زمینه مشخص گردند ، ما در ادامه های آینده "حقیقت" نظرات خود و سیرری را که فکر میکنیم جنبش کمونیستی ما برای نیل به وحدت باید طی کند ، منتشر خواهیم ساخت . \*

های کارتون دبیلیمه های بیکار ، بمفاخر اعتراض به مخفی نمودن مشخصات و یر - وندهای مزدوران با واک منحل - ا قدا مبرا هیما شی می نماید . حزب توده اعلامیه ای بر علیه دبیلیمه های بیکار و محکوم نمودن مبارزاتشان میدهند ، اعلامیه دیگری نیز توسط یر - خی از فرهنگیان استان که عمدتا از عنا مروا بسته به رژیم سابق و اعضای فعال حزب رستا خیز بودند در محکوم نمودن تظا هرات بخش میگردد . شما - یندگان دبیلیمه های بیکار برای مذاکره به رشت میروند ولی طبق معمول بدون نتیجه بر میگرددند ، راه هیما شی روز چهارشنبه از طرف مردم شهر بویژه اهالی عنبران ... (یکی از روستاهای اطراف آستارا) و تا کامیرانان مورد حمایت و پشتیبانی قرار میگردد . در همان شب (بعد از راهیما شی چهارشنبه) نمایندگان کارتون مورد تهدید جرح و ضرب "با سدا ران" قرار میگیرند که در آن ۴ تن از دختران متحصن روانه بیمارستان شده و تیری نیز بطرف یکی از نمایندگان شلیک میشود که به ا شوب - سبیل اما بت میکنند .

ریبانی املشی نماینده ما مکنه برای با مفاخر رسیدگی به خواسته های تحصن کنندگان آمده بود در قسمتی از صحبت های خود (ضمن تکرار حرفهای همیشگی اش) میگوید "هشتشر به این نظر کمونیست هستند و یک مشت ترک خر ... " (عین صحبت های ایشان بر روی نوار ضبط شده است) در نتیجه این مهملات و برخورد فرصت طلبانه بمران دبیلیمه بیکار (که محل تحصن را ترک میکنند) یکی از دختران متحصن با بریدن رگ دست خود اقدام بخودکشی نمود (که به سرعت به بیمارستان اعزام شد) . تحصن دختران دبیلیمه هنوز با ما در وقت دارند تا رسیدگی بخواسته های زیر به تحصن خود ما مدهند ، خواسته ها عبارتند از :

- ۱- اسیاری زن و مرده را استخدام کشوری
- ۲- برکناری رئیس آموزش و پرورش آستارا
- ۳- اعلام ساقه خدمت کارمندان کلیه ادارات
- ۴- تصفیه و با کمزاری تمام ادارات بصورت انقلابی
- ۵- یک شغلی کردن تمام کارمندان
- ۶- پرداخت وام بیکاری به متحصنین در صورت نبودن کار
- ۷- پشتیبانی خود را از حرکت مبارزاتی دختران دبیلیمه بیکار متحصن در آموزش و پرورش آستارا اعلام داشته

بقیه در صفحه ۱۷ \*

# حقیقت

این مورد میگویند که دومین اصل ضروری مارکسیسم در تعیین تاکتیک پرولتاریا نیست به ما بر طبق تالیفات است که " حزب کمونیست هر کشور باید زهرایکا - نی برای تامین متحدتوده ای برای پرولتاریا ، گرچه موقتی ، نوسانی ، سازشکار و غیر قابل اتکاء باشد ، بهره جوید ، " ( اشاراتی درباره مسائل روز ) البته سخن بر سر سازش غیر اصولی با هر توع " متحدتوده ای " نیست ، بلکه فوایبی ! داراست که از حوصله این مقاله خارج است .

برخورد رفقای فدایی به بورژوازی ملی ( با گرایش لیبرالیستی ) بطور کلی از اصول مارکسیستی بدور است . نمایندگان سیاسی بورژوازی ملی ایران در سازمانهای گوناگونی متشکل میباشند و دارای پایه توده ای نیز میباشند . رفقای فدایی با چنین ارزیابی ای که از بورژوازی ملی مینمایند - در عین حفظ یک ظاهر " چپ " نسبت به این طبقه ، عمده مبارزه را برای رهبری این جریان باز میگذارند و با نسی مطلق آن بر ضرورت رهبری پرولتاریا برای این انقلاب عملاً کم بها میدهند .

در خاتمه این راه میگوئیم که تناقضات و ابهامات تئوریک که در میان نیروهای چپ نسبت به این طبقه از جا معما بروز میکند ، همه از درک نادرست خطت جامعه بر میخیزد ، تا زمانیکه درک درست و واقعی از خطت و ساخت اقتصادی جامعه ایران بطور مشخص وجود نداشته باشد ، نمی توان بطور دقیق فهمید که انقلاب ایران علیه کیست ، به وظایف این انقلاب ، نیروهای محرکه ، دورنما و انتقال آتی آن دست یافت . تئوری انقلاب ایران تنها در صورتی میتواند بطور احسن تدوین گردد که بتواند با سخوی این مسائل با خند .

تکذیب نامه ها را مرتباً بخشن  
هوجی گری ...  
داده به بیازی مشغول گشته است .  
مادق قطب زاده آنقدری نرم  
و شاید است که حتی پس از تکذیب های  
مکرر مقامات پاناما تا در این مورد ،  
باز هم بر دروغ ناخدا رخود امرا ر  
ورزیده ، و حتی امروز نیز ، تکذیب  
این خبر از طرف مقامات پاناما را  
به صهیونیست ها و امیریا لیست ها  
نسبت میدهد !! مادق قطب زاده آن  
قدر جا به طلب و بیست است که تکذیب  
این خبر را به " هوا مل داخلی " و  
امیریا لیسم و صهیونیسم نسبت میداد  
غافل از آنکه این را دیو و تلو بیرون  
جمهوری اسلامی ایران بود که ایسن

در آستانه ...  
ترک میباشند به آن لقب " ترک خیز " دادند . البته از نظر ما ماهیت واقعی این آقایان در کردستان بخوبی ثابت شده که برخوردن به خلقها چیست ؟  
ثالثاً - در اینجا نیز چون همیشه " حزب توده " همگام و هم مدابا عوام مل مشکوک محلی و پاسداران زحمت بدست در جهت سرکوب این مبارزه شرکت داشته اند .  
مابین پشتیبانی کامل خود از مبارزات دختران دیپلمه بیگانه آستانه را حملات کینه توزانه سداران ، مسئولین امر ، حزب توده ، و عوام مل مشکوک محلی را محکوم نموده و خواهان رسیدگی به خواسته هایمان می باشیم .  
برای زین مورد در استفاده کمشوری !  
نا بود با سازمان کارگران و مرتجعین !  
رهروان راه حقیقت گیلان  
۱۳۵۸/۱۰/۱۴

مبارزه ...  
سه جناح راست ، میان و چپ تقسیم میکردند که هر کدام ویژگی خود را دارند . ولیکن آن خصیصه اصلی بورژوازی ایران که در این بحث مطرح میباشند ، همان ملی بودن و یا کمبراد دور بودن آن میباشد . از این جهت این نکته باید تصریح گردد که انقلاب ایران علاوه بر خصوصیت دموکراتیک بودنش ، خصوصیت فدا میریا لیستی را دارا میباشد . و درود و نفوذ امیریا لیسم در جامعه ، انقلاب ایران با بعد جدید دیگری مشخص میگردد که همانا فدا میریا لیست بودن - در عین دموکراتیک بودنش میباشد . نفوذ امیریا لیسم در ایران از جمله تاثیراتی که بر ساخت اقتصادی - اجتماعی جامعه گذارده است ، یکی هم منقسم کردن بورژوازی ایران به دو بخش میباشد . بورژوازی کمبراد دور که جناح فوقانی بورژوازی ایران بوده است ، بعنوان کارگزار امیریا لیسم و یکی از پایه های مهم نفوذ آن در جامعه عمل مینمایند . صانعین همان منافع امیریا لیسم است و بصحبت آن زائده ای از آن میباشد . ولیکن بورژوازی ملی با بخش کمبراد دور دارای تفاوتها میباشند . از یکسو منافعت مینایکسان منافع امیریا لیسم نیست و دارای تفاوت منافع با آن میباشد . در عین حال دارای نوعی رابطه با امیریا لیسم میباشد ، بدین صورت که در رای برخی داندوستانه ای اقتصادی با آن است . ولیکن سرمایه اش بطور کلی وابسته به سرمایه امیریا لیسم و بصحبت آن تابعی از آن نبوده و عمل نمی نماید . البته جناح راست آن دارای مقداری وابستگی ( نیمه وابستگی ) به کمبراد دور و امیریا لیسم میباشد . ( وابسته بودن سرمایه به معنی امتزاج و یکی بودن منافع اساسی میباشد ) بطور کلی سرمایه بورژوازی ملی تا حدی با سرمایه کمبراد دوری ( امیریا لیستی ) دارای تفاوت است .  
با این وجود ، بورژوازی ملی ایران بسیار ضعیف است ، و دارای مناسبات و روابط نیز با بقایای نظام فئودالی جامعه میباشد . ضعف بورژوازی ملی دقیقاً بخاطر نفوذ کمتر سرمایه امیریا لیستی در جامعه است و تحت فشار آن فرار دارد . از جمله ویژگیها هم این فشار را امیریا لیسم است که بورژوازی ملی ایران برای انا مه حیات اقتصادی خود ، به زمیسن روی آورده و با نظام زمینداری در ایران وارد میوندهای شده است .

بورژوازی ملی ایران - که ضعیفترین خصوصیات آن ذکر شد - دارای جناحهای متفاوتی است که هر کدام گرایش های بخصوص سیاسی خود را در جامعه دارا میباشد . جناح راست آن دمازی بیشتری با امیریا لیسم و بر علیه انقلاب دارد و جناح چپ " چپ " آن تفاوت بیشتری ، گرایش ملی بورژوازی ملی ایران در برخورد با استبداد شاهي - در چند دهه اخیر ، لیبرالیسم بوده است و بدین مناسبت میباشد که صفت سیاسی لیبرالیسم به بورژوازی ملی ایران اطلاق میگردد .  
بخاطر ضعفهای فوق الذکر که به لیبرالیسم بورژوازی منتهی می - گردد ، بورژوازی ملی ایران دارای نزلزل شدید در مقابل دشمنان ملت ایران است و بر حسب اوج گیری و صف بندی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب ، به صف حبیبه دشمن و یا به صف حبیبه مردم میپیوندد . اینک بورژوازی ملی در شال بی - چون شرایط کنونی ایران - به سوی حبیبه ضد انقلاب میروند ، ( همانطور که امروزه جناحهای حاکم آن رفته اند ) و با دست همکاری با امیریا لیسم را میدهد ، نهایتاً به چشم پوشی انقلابیون از فدا میان آن و امیریا لیسم گردد . بهمان طریق پیوستن بورژوازی ملی به حبیبه مردم نیز به معنی قرا - موشی فدا میان آن و نیروهای انقلابی و مشرقی دیگر نیست .  
وظیفه انقلابیون - و در راس آن نیروهای پرولتری - در اینست که این نیروی متزلزل و سازشکار را بسوی حبیبه امیریا لیسم سوق ندهند . در جدا مکانات مادی خود - و در عین حال بگوشند تا آنرا حداقل غششی و جناحهای مشرقی تر آنرا بسوی حبیبه انقلاب بگشایند و تحت رهبری انقلابی آسان را شدیداً کنترل نمایند . البته این امر بدون یک مبارزه جدی طبقه ای و فاشی - سیاسی فدا انقلابی آن میسر نمیگردد . و روشن است که این مهم تنها بسته به خواست نیروهای انقلابی ندارد ، بلکه تا تیر پذیر است . استالین در

# حقیقت

حبارزه

در مقاله " مبارزه طبقاتی را با ورن کنیم " دست به ارزیابی سیاسی - شورویک از اسناد منتشره درباره محافل جاسوسی آمریکا میزنند و چنین نتیجه گیری میکنند که " اسناد ارائه شده بوضوح نشان میدهد که چگونه امپریالیسم آمریکا و سرمایه داران و روشنفکران لیبرال دست در دست هم ششگانهایی برای سرکوب و شکست مبارزات خلقهای ایران ایجاد کرده اند " و کمی بعد تر میگویند " لازم نیست برای کشف رابطه این محافل با امپریالیسم آمریکا در انتظار اسناد دومدارک بنشینیم . بلکه باید دید که چنین روابطی برای همه محافل سرمایه داران لیبرال ارض روپا است . سرمایه داری وابسته برای منافع خود ، از ارتکاب هیچ جنا بیتی علیه خلق مافروگذار نمیگردد و جاسوسی علیه خلق ایران تنها گوشه ای از اقدامات جنا بیتیگانه سرمایه داران لیبرال را بر ملا میکند " و " اینک ، امپریالیسم زیکی از مهمترین باگهای خود معنی سرمایه داران لیبرال و فتواید آنها متحدان به صفوف مبارز خلق ما این چنین حمله برده اند . " و در جای دیگر همین نشریه نیز در استنتاجات سیاسی و تئوریک خود ، رفا " سرمایه داران لیبرال " را همان " سرمایه داران وابسته " و حریانات وابسته به سرمایه داران لیبرال را " مطلقا مرتجع " قلم میزنند . و نیز در ضمیمه کار " شماره ۴ در نموداری که از ششگانه جاسوسی و دوستان آمریکا در ایران ترسیم نموده اند ، سرمایه داران کمپروان و نورو ملاک بزرگی چون امینی را در کنار مقدمه راهی جزء محافل " لیبرال بیرون دستگاه حاکم " تصویر نموده اند .

سنا بر آنچه رفقای فدایی ادعا دارند ، بورژوازی لیبرال ایران دست کم دارای سه خصومت ساز است :

اول : جزء مهمترین باگهای امپریالیسم به حساب می آید . ثانیاً - جاسوسی " بورژوازی لیبرال " برای امپریالیسم مسری " ضروری " تلقی میگردد .

ثالثاً - بورژوازی لیبرال بخشی - و یا دربرگیرنده همه - سرمایه داران وابسته قلمداد شده است .

این ادعاهای رفقای فدایی - حداقل تا این لحظه - با فرائزیک حکم بر نداشتند و بر پایه استوار است . هر چند که این ارزیابی رفقای فدایی در شرایط کنونی که لیبرالیسم بورژوازی از نقطه نظریاتی - وابسته بطور متوسطی - مودودنجا رتوده مردم قرار گرفته است ، ضرر زان دور این شرایط نمیزند ، لیکن از آنجا بیکه یک ارزیابی غلط و غیر واقعی است میتوانند تا تئورات ناگوار را در کوتاه مدت و در از مدت برسیرگشتن مسا وارد آورده .

بطور کلی امروزه لیبرالیسم مورد لعن و نفرین اکثریت توده مردم مسا میباشد و در چنین جوی هرگونه حمله بیکه ظاهری واقعی داشته باشد به دل مردم مینشیند ، روشن است که وظیفه انقلابیون مارکسیست در این خلاصه نمیشود که موضع ضد لیبرالی گرفتند و آنرا در میان مردم تبلیغ نمایند . بلکه مهمترین از آن اینست که نشان دهند این لیبرالیسم بورژوازی از کجا سرمنشا میگیرد ، و مناسبات خالصین این سیاست با سایر جریانها و طبقات اجتماعی چیست و ... ولی هرگونه موضع " ضد لیبرالی " نیز واقعاً ضد لیبرالی نیست و از یک تحویل و موع انقلابی رسمی خیزد و نمیتوان صرفاً ظاهر " ضد لیبرالی " لی " آن بر آنحرافات نهفته آن بیده اما فرنگریست .

مقدمتاً اینرا بگوئیم که با به ملی استدلال رفقای فدایی بر این "منطق " استوار است که چون عده ای از روشنفکران لیبرال " برای امپریالیسم آمریکا مسئول جاسوسی بوده اند ، خلعت بورژوازی لیبرالیست در وابستگی به امپریالیسم ، در با نگاه امپریالیسم بودنش ، در همدست و ... بودنش معین میگردد . این یک ادعای " حب " ولیکن شوخالیست . در این که حا سوسان آمریکا - بلحاظ زمینه مسا عده ما تگری احزاب و دستجات لیبرالی - سراز محافل لیبرالی بورژوازی ملی در مسا و رسد ، شکی نیست ، ( البته حا سوسان آمریکا تنها در این قرضعالت نیستند ولیکن بطور عمده

از آن بهره میجویند ) ولیکن نمیتوان این مساله را تا بدان مرحله تئوریک تعمیم داد که تمام بورژوازی لیبرال را وابسته ، جاسوسی و ... امپریالیسم قلمداد نمود . برای چنین تعمیمی حتماً لازم است که منافع مشترک طبقاتی میان امپریالیسم و این جریان محدود بین منافع راروشن نمود و توضیح کافی داد . البته رفقای فدایی نیز در خلال گفته های خود بطور نا مرتبی مدعی می- شوند که لیبرالیسم بورژوازی ناشی از نظام سرمایه داری وابسته است ، که این نیز پایه علمی نا استوار و کلا غلطی را داراست . طبیعی ترین و اولیه ترین سؤالی که در این رابطه میتوان عنوان نمود اینست که اگر رفاقی لیبرالیسم بورژوازی ( با بورژوازی لیبرال ) را جزئی ارگانیک از سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و یکی از مهمترین باگهای امپریالیسم میدانند ، پس تضاد بورژوازی لیبرال را با بائند محمدرضا شاه کیسه - در واقع مهمترین باگ امپریالیسم و در رأس بورژوازی وابسته و ملاکسان بود - چگونه توضیح میدهند ؟ اصولاً چه باگهای طبقاتی برای بائند در سرمایه داری محمدرضا شاه قابل میباشند ؟ مگر اینک رفاقی بائند کم درباری شاه را نیز موافق لیبرالیسم قلمداد میکنند !! مضافاً اینکه سرمایه داری وابسته بیانگوان نظامی است که سرمایه داران کمپرادور در آن ذینفع بوده و در چهار حوبه آن فعالیت می نمایند . خصیصه اصلی سرمایه داران کمپرادور نیز - ارتجاع بوده و بشدت مخالف لیبرالیسم هستند . و بیجان نسبت که امپریالیسم بطور اساسی بسوی ارتجاع گرایش دارد و هیچگونه خصیصه ای با گرایش بسوی آزادی در آن یافت نمی شود ، سرمایه داران کمپرادور نیز بعنوان زاشدهای از نظام امپریالیسم بیجان جهت گرایش دارند . اینک امپریالیسم کمپکسگاه - بر حسب مفهومی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب - ماسک لیبرالی بر صورت خود میکند ، صرفاً یک تاکتیک برای عقب زدن انقلاب است و نمیتوان آنرا به ما هیبت امپریالیسم تعمیم داد . در کنار طبقه فتویدال و ملاک حاکمه ، سرمایه داران کمپرادور نیز با گاه های امپریالیسم بشما میروند و بسویژه برای مارکسیستها تکیه بر این واقعیت اشبات شده و مبرهن اریست واجب . در اینجا ما لازم می دانیم که بحث دیگری را برای روشن تر شدن انحراف تئوریک رفاقی و نیز بسبب ساری دیگر درآشند ، را مطرح نمائیم . و آن بیجان سدیست بنا به بورژوازی لیبرال .

اولاً لیبرالیسم خود یک گرایش سیاسی در میان طبقات بورژوا و خسته بورژوا میباشد . متأسفانه این واژه سیاسی در جنبش ما معنی حقیقی خود را از دست داده و بعنوان یک برجسب سیاسی با تفسیرهای گوناگون ارائه می- گردد . بیشتر تئوریهای چپ برای ارزیابی از بورژوازی ملی ایران ، به نوشتجات لنین درباره بورژوازی روسیه ، و مبارزات تئوریک او بر علیه بورژوازی لیبرال روسیه رجوع میکنند . این نیروها توجه نمی کنند که بورژوازی روسیه ، در شرایط تاریخی دیگری وجود داشته و نمیتواند مسورد ملاک برای ارزیابی از بورژوازی ملی ایران که در شرایط تاریخی دیگری است قرار گیرد . مبارزه علیه امپریالیسم در ایران ، یکی از اهداف ورکن های اساسی انقلاب ایران میباشد و در صورتیکه چنین وضعیت تاریخی در مقابل انقلاب روسیه دوران نشین وجود نداشته . بهتر آن بود که رفاقی به نوشتجات لنین درباره نقش بورژوازی ملی در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره رجوع نمایند تا ملاک های واقعی تری که به شرایط انقلاب ایران نزدیکتر است ، دست آورند . در همین رابطه رفاقی را به این گفته استالین رجوع می دهیم که در برابر " اپوزیسیون " ( تروتسکیستها و زینویف ها ) گفت " اپوزیسیون شنیده است که یک انقلاب بورژوازی در چین جریان دارد . بیش از این اپوزیسیون میدانند که انقلاب بورژوازی در روسیه بر علیه بورژوازی صورت گرفت . بنا بر این فرمول حاصراً ماده برای چین دارد : مرگ برهبر نوع فعالیت مشترک با بورژوازی ، زنده باد جدایی نوری کمونیستها از کومین تانگ " ( ماده اشتهایی درباره مساثل روز ) . زما نیکه از بورژوازی لیبرال سخن مسرود ، به معنی نشان دادن یک گرایش بخصوص سیاسی در میان طبقه بورژوازیست و لذا بورژوازی لیبرال خود یک طبقه نیست بلکه تنها جریان معین سیاسی را نمایندگی میکند .

بورژوازی ایران بطور کلی به دو بخش منقسم گشته است و تاریخ اجتماع - اقتصاد و ... ساله اخیراً بشرا گواهی میدهد که بطور کلی جامعه ایران با دو بخش ملی و کمپرادور بورژوازی روبروست . هر کدام از این بخشها نیز از نقطه نظر فعالیت اقتصادی به بخشهای کوچکتری چون بورژوازی سوزکرات ، بورژوازی تجاری و صنعتی و ... تقسیم میگردد و نکته موضوع بحث کنونی مسا نمیشد . از نظر سیاسی نیز بورژوازی ملی به



# حقیقت

جرا حزب توده ...

ساواک منحله میباید از طرف اتحادیه کمونیستهای ایران منتشر گردیده است، همه فکر میکردند که حزب توده که این همه درویدوارها و روزنامه‌ها - بین را با شعار "لیست ساواکیها را منتشر کنید!" - حداقل در ظاهر هر هم‌گنده از اینکار را استقبال میکنند، ولی دیگرانتظار رحله را نداشتند؟! حزب توده مینویسد: "اجبرا یکی از گروهکهای مائوئیستی موسوم به اتحادیه کمونیستهای شهرت ناقصی از ساواکیها را منتشر کرده و معده کوتاهی سر آن افزوده است" ... لازم بداند آوری است که ایس شهرت و شهرت مینویسد در مدتی است دست سبب میگردود در اختیار همه سازمانهای سیاسی قرار دارد ..."

والله ما ادعا نکردیم و نخواهم کرد که این لیست کامل است، آری فهرست ناقصی است از ساواکیها و ما خود در مقدمه سزیر این امر را کید کرده ایم و حزب توده هم نکته جدیدی کشف نکرده است!! و از روی مقدمه خود اتحادیه کمیده زده است. "این لیست، لیست کامل همه مزدوران ساواک مصدر ما ناحی نیست و بخشی از آنان را در بر میگیرد." (از مقدمه اتحادیه کمونیستهای برلین - سمره) این اولاً و ثانیاً اگر لیستی کامل سراز آن "دست بدست" منکر دو" در اختیار سازمانهای سیاسی قرار دارد" و لابد حزب توده عماد ما میکند که خودش هم دارد، چون "دست بدست" میگردد، پس چرا منتشر نمی کند؟ پس چرا مرتسب مینویسد "لیست ساواکیها را منتشر کنید"؟! اگر واقعاً فکر مردم هستند،

اگر در بی آن هستند که در حال معنی یک سازی شود، لیست کا ملتری را کید در دست شماست چا بکنید و بیرون بسند. هند! ولی شما دروغ میگوئید، حتی اگر لیستی هم در دست شما باشد چا پس نخواهید کرد. میدانید چرا؟ چون ساواکیها مسخدمین شما هستند. شما دروغ میگوئید! ما هنوز با دشمنان نهمه که ۴ ماهه بین که شما پندها یا - لستی حزب توده در امتحان و گام بدیدای آن حزب برای مجلس خبرگان، سا

واکی از آب درآمد، کمیته مرکزی حزب توده، برای ردگم کردن داد و هوار را دا نداشت و دولت را مقم - دانست (!!) که جرات لیست ساواکیها را منتشر نمی کند تا حضرات ساواکی - های درون حزب توده را بشناسند!! اگر شما لیست کامل را داد ا غتید که دیگر یک ساواکی را شما بنده خود نمی کردید؟ و شما بدهم میگردید؟ کسی چه میداند.

حزب توده که ادعا کرده لیست کاملی در دست دارد، باید توضیح بدهد که چرا منتشرش نکرده، و چرا مرتباً فریب دزده که "لیست ساواک را منتشر کنید" در حالیکه لیست در دست خودش است؟ پس صورت ایلها نه ای میگوید: "ولی همه این سازمانها (که لیست ساواک را در دست دارند) بحای تجارت سیاسی - مالی ساواک است که لیستها را بحق اصرار دارند که مقامات دولتی با احساس مسئولیت، لیست ساواکیها را بطور رسمی منتشر کنند." (تاکیدات از حزب توده است) ولی دیگر این تو - جیها نمی جسد. (۱) ما است که نیروهای انقلابی و غیر انقلابی، صادقانه و هدهای مثل شما عوام - یانها، گفته بد فریب دزده اند که لیست ساواکیها را منتشر کنید، ولی مقامات دولتی اصلاً "احساس مسئولیت" نکرده اند و "بطور رسمی" و نه "غیر رسمی" حتی اسم بکنند ساواکی را هم بیرون ندادند! حالاً شما می فرمائید، نیروهای انقلابی باید ساواکیها را منتشر کنند تا لیسان بختی و فرسجانی و امثال آنها "احساس مسئولیت" کنند؟ شما دروغ میگوئید، و عوام فریبی می - کنید. شما اصلاً نمی خواهید که اسم ساواکیها و مزدوران رژیم گذشته بیرون بیاید، چون بای خودشان هم تیرمی افتد. و ساواکی هم که به جاب این لیست اعتراض کرده اند، برده بدو میداند چرا، چون ساواکیهای شما هم فناء شده اند!

ناراحتی حزب توده هم از همین جا ست. در این لیست نام "تراویز زرنشاس" و ساواکیها مرکز حزب توده در اروپا درج شده است که در مقدمه نیز ذکر گردیده است. و حزب توده سخت بر آفت زده است و فریب دیر می آورد که "بدین وسلیله این ادعای زرنشاس را تو با تکذیب می کنیم. فرامرز زرنشاس، که نام او در این لیست آمده، هرگز هیچ مسئولیتی در حزب توده بران نداشت، فرامرز زرنشاس در خارج ارگتور بود، که مدت ها پیش

مرگ بر میمنت ...

دست بیکدیگر و ارتشهای طرفین هم بای هم بر علیه انقلاب فلسطین دست بکار شدند. معاهده خبا ننگ را نه کمب دیوید با رافرا تراژیک مغال - صه بین مصر و اسرائیل گذارده است، این معاهده ننگین، بیمان ارتجاع منطقه است تا با یکا ههای سرکوب انقلاب در منطقه را برای امبریا لیم آمریکا مستحکم کند. هم اکنون محبت از بیمان های نظامی بین مصر و اسرائیل بطور مخفیانه میبرود. با یکا ههای جاسوسی و ضد انقلاب منطقه - که تا یکسال پیش رکن مهم آن در ایران مستقر بود - مثل آویوفا - هره منتقل میگردد و در این میان انورسادات از هیچگونه خوش رقصی برای اروپایان آمریکا بی خود دریغ نمیورزد.

سالگرد معاهده ننگین کمب دیوید در شرایطی برگزار میگردد که فاشتو میزبان اسرائیلی جوب لیسان را مورد حملات وحشیانه خود قرار داده اند، در شرایطی که نیروهای ارتجاعی لیسان با بسته های آمریکا مجدداً حملات مسلحانه خود را بر علیه انقلاب فلسطین آغاز کرده اند و در شرایطی که اوضاع خاور میانه سه سوی یک انفجار نبدیدی سرن داده میشود.

اکنون خلقهای عرب بیشتر و بیشتر می سنند که ارتجاع بین المللی چگونه جف متحدی از مرتجعین از صفوف حزب طرده است. اطلاعات مربوط به خراج این فرد در روزنامه "مردم" مورخ ۳ آذر ماه ۱۳۵۸ چاپ شده است. (تاکید اول از خبر توده بقیه تا کندهات از ما ست) بیسار خوب حضرات راستگویی! حزب توده این تکذیب نامه اوله شما را قبول می - کردیم، ولی اگر فقط بهمان اکتفا میکردید در دست بد توضیح میزدند! خواننده خود دقت کند: "خرا سز زرنشاس ... هرگز هیچ مسئولیتی در حزب توده بران نداشت ... که سب - ها پس از محبت حزب طرده است" میخوانند و غوغو فراموشکارا حساب! کسی که هرگز هیچ مسئولیتی در حزب توده نداشت، و فقط فرمادهای بیوده، چگونه از "خرف حزب" طرده است؟ از دو حال خارج نیست: یا شما دروغ میگوئید و حتماً با انسان در حزب "مشو لستی" نداشت و با اینکه در صفوف حزب شما انرا دسی مسئولیت و ساواکی ما - شد در امر زرنشاس سومور سبب گنشد؟ در هر دو حال مرق جمدانی نمیکنند.

مصری، سعودی ... را بر علیه انقلاب - بیان تشکیل داده و مصمم اند تا سر - نگونی این عوامل آمریکا بی و آزاد ساختن سرزمینهای اشغالی توسط جمهوریستهای آزادی فلسطین به مبارزه عا دلانه خود ادامه دهند.

انقلاب ایران ضربه مهلکی بر محاسبات امبریا لیم آمریکا در منطقه خاور میانه وارد کرده است. و معاهده کمب دیوید نیز غلیظ غم خورده اختلاقیهای ارتجاعیون مصری و صهیونیستها، زود تراژوال عادی خود تحقق گرفته که نشانه نگر وحشت و ترسین ارتجاع بومی عرب و صهیونیستها و آمریکا شیخا از گسترش نفوذ انقلاب ایران در کشورهای منطقه میباشد.

انقلاب ایران میتواند دوباره بی عنوان سنگر دفاع از انقلاب در کل منطقه و خاصه انقلاب فلسطین و عمان در آید و تمامی توطئه های موسوم امبریا لیستی در منطقه را خنثی نماید. و درست در همین گسترش نفوذ انقلاب ایران در کل منطقه میباشد که مهمترین و اساسی ترین عامل تعیین کننده خارجی در حفظ و شد اوم خود را با زمینها بد، ولیکن اعلام مواضع هر چند روز یکبار فضا انقلابیون ها کم بر شورای انقلاب تحت لوای "عدم صدور انقلاب"، "عدم دخالت در امور دیگران"، "مهمترین عامل با زدا رنده گسترش نفوذ انقلاب صادر کل منطقه و به ماری انقلاب فلسطین و عمان شناختن است. این وضعیت با سبب درگون گردد.

این یک نکته است! ولی نکته دوم حزب توده میگوید در روز زرنشاس "مدتها پیش" طرده است، و ما راه ۳ آذر ماه ۱۳۵۸ یعنی ۲ ماهه پیش حواله می دهد. "مدتها پیش" از نظر حزب توده مساوی ۲ ماهه است. ولی مقدمه اتحادیه کمونیستها نوشتار سبب او حقیقت را نوشته است! که فرامرز زرنشاس ساواکی، "منا و رگمیته مر - کزی حزب توده در اروپا" بوده است یعنی زمانیکه توده ایها اروپا نشین بوده اند و این بر میگردید قبیل از قیام، یعنی از یکسال پیش به آن طرف و "مدتها پیش" ۲ ماهه حزب توده دردی را دوا نمی کند!

ناراحتی حزب توده و تمام قبیل و قبا لیش از اینست که چرا آدمیای شده ای مرتباً مرا ز لیستهای ساواک در میا رند. این دستور تصدیق کس نیست، حزب توده بهتر است بدون بطریقی بیگند و عامل اصلی از درون بسند. یک حزب جاسوس نیست، جاسوس بی روز و چا سوس بذر هم مستعد - شمیر ما نیست!



# درباره مسکن

یکی از سازهای مردم و اولیای ایران سالها مسکن بوده و هست. اولین حرفه اینگونه روت خم خلق را مسخر کرد و محرکه سرگونی رژیم فدا خلقی و وابسته به امپریالیسم است. دهها سال در ارتباط با مسکن بود. چرا که هدف از سرمایه به گذاری بر روی آبارنمان و خانه سازی سوداگران و بورس - سازان زمین و دادن وامهای کمربند توسط بانکها و نزول خواران مانند همسخنهای دستکامه طاعتی تحت سلطه و شده و وابسته به امپریالیسم جهانی ایران و سیستم دولتی کالشی به درخت بر طرف کردن نیازهای جامعه بلکه در جهت مافع و غارتگری هر چه بیشتر استوار کردن داخلی و خارجی میبود. در نتیجه این حرکت در نظام دنیا مافع خلق بوده و شروت و منابع کشور را در خدمت سرانهای سرکوبگرانه سلطه و ملل منظمه مکار برده تا مناصبان حفظ گردد. بدین لحاظ بود که آبارنمان و خاصه جهت استنادها کسریست جامعه و زحماتکنان فوق العاده گران و در مقابل... در کشور... ای... رحمان... اول را

## گزارشی از مبارزه مردم

# مبارزه طبقاتی را باور کنیم و بی

## پشیوه مارکسیستی

اخیرا زمان جریکهای فدایی خلق ایران بگری اسناد رسیده ای در ارتباط با شبکه ها سوسی امپریالیسم آمریکا در میان جریانات و گروههای سیاسی موجود منتشر کرده است. این اسناد همه بیا نگرانی میباشند که امپریالیسم آمریکا برای منحرف کردن جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران قابل است. مجموعه اسناد بیا نگرانی از تحاتی محافظت آمریکا برای ایجاد یک شرایط مسا عدودر شرایط ترسناک دادن یک کودتای ارتحای بر علیه انقلاب ایران میباشد. دستهای ناباکی در این مسیرند یاری امپریالیسم آمریکا نتا فتنه نده که از جمله با ندهای مقدمه مر اغسه ای، امیران نظام و نر همگاری گسترده و قدیمت دار شریعتمداری و... را مسئولان بلا نظمه نمود.

ما ضمن ایران خرسندی از این اقدام منست رفتقای جریکهای فدایی که کمک قابل توجهی به روشن شدن افکار مردم و نیروهای مبارز برای مقاله با توطئه های امپریالیسم آمریکا میکند. در عین حال خود را موظف میدانیم تا برخی ابهامات و اشکالات حدی ای که در تحلیل رفتای فدایی از اسناد ارائه شده بروز نموده است را گوشزد کرده و بحثی بیرون آن انجام دهیم.

رفتای فدایی در نشریه "کار" شماره ۲۱ بقیه در صفحه ۲۱

## چرا حزب نودده از

# افشای نام ساواکیها ناراحت شده؟

حندی است که حزب معروفه " آوری " وجود دارد که نشانه شده آن شده هر روز در صفحه اولش شعار رو درشت است که حزب نودده از نیشار ر حاب میزند، " لیست ساواکیها را منتشر کنید! " از جمله در روز چهارشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۵۸، خوانندگان عزیز میخواهند این شمار را در سیای مفعلا اول روزنامه " مردم " ببینند. ولی در مفعلا خرمان شماره روزنامه " مردم " مقاله کوتاهی بنام " ساواکیها" است که حزب معروفه " آوری " وجود دارد که نشانه شده آن شده هر روز در صفحه اولش شعار رو درشت است که حزب نودده از نیشار ر لیست ساواکیها را خوش نمی آید و در حقیقت تا راجع است، و همه ایسی بحثها و شعارها دنیا حفظ زس گرفتن است!؟

ما چرا از این خوار است که اخبار ایسی که تا مل تقریبا ۸۰۰۰ نفر از عوامل بقیه در صفحه ۲۳

## مرگ پر ملت شوم

# کارتر سادات بیگین

۶ بهمن امسال، اولین سال گرد میا هده شنگین کمب دیوید می - باشد. میا هده ای که سادات جنایت کار دست در دست بیگین صهیونیست، پای قرار داد نوگوشی خود را برای امپریالیسم آمریکا امضاء نمود. سادات برای یکبار همیشه جهان را اعلام دادند که سمن نسج خود را در انقلاب فلسطین و خلقهای عرب است.

میا هده سادات بیگین، قتل از ای که آنشی نامده سوکران حلقه نوکوش امپریالیسم آمریکا در خاور میا سادات بیگین و نوگوشی اراده ارتحای انسان بر علیه مردم آوار و فلسطین و آرمانهای خلقها و مستعبدیه عرب بود. بیسرو این میا هده است که شبکه های جاسوسی طرفین دست در بقیه در صفحه ۲۲

## هو چیگری موقوف!

دو شب قبل از انتخابات ریاست جمهوری، ناکهان خیری در بین مردم بیخود و مسترد در دست روزنامه ها ترکید: " شاه دستگیرند، " ملت ایران که زجرها و شکنجه ها از این جلاد قرن و رژیم فاشیستی اش تحمل کرده اند، و از ممیم قلب خواهان دستگیری محاکمه علنی و اعدام این جانسی با لفظه هستند، سلطنت با حاکمات

ناک و بی شانه از این خیر استضال کردند. ولی نمی دانستند که ایسی خیر دروغ بود، فقط هوچیگری مردمک جاه طلب و بی مسئولیتی بنام صادق قطب زاده بوده است که برای خندرای بیشتر در انتخابات، این چنین بیستی و دناختی به خرج داده است و با احساسات باک این ملت متحدیه و شهید بقیه در صفحه ۲۲